

قهرمان ایمان

یک تشبیه مدارسه

WOW

کتاب معلم
برای تمامی سنین





قهرمانان ایمان



برنامه ی یکشنبه های مدرسه «بچه ها مهم هستند»

کتاب معلم

برای تمامی سنین

فصل 1: درس 1 الی 13

وب سایت:

www.ChildrenAreImportant.com/heroes/

با تشکر از تمامی تیم «بچه ها مهم هستند»!

مدیر ارشد: کریستینا کراس

گروه خالق اثر: ابریل پالاکویوس کاماچو، دوایت کراس، جنیفر سنچز نایتو، جولی سنچز نایتو، مایک کانز، مونسرت دوران دیاز، ورونیکا توج، سوکی کانگاس و ویکی کانگاس.

با تشکر از روبن داریو برای موسیقی فوق العاده که برای این برنامه ساخته است.

گرو مترجم:

علی عطا، آلیان خاوی، رانو پاما وانکده، انتشارات آروماتی، ک بلسی جیکوب، کارلا میومی، کری، سبیرزناهان دیوی-دراجو، ابراهیم نیوگونا میروبی، فیلی جیکوب، ژنوب، ی عقوب کروویلی، کراض 1، مارکوس روچا، متیو داس، نسیم بوگنایا، پائول موانگی، پائول سپتن، روبینا رای، سابرینا بنینی جان و گروه «سابتایتل می».



به یکشنبه های مدرسه ی قهرمانان ایمان خوش آمدید! در این بخش از درس، ما به بررسی لیست قهرمانان ایمان که در فصل 11 رساله ی عبریان آماده است، می پردازیم. از آنجایی که زندگی روحی ما از زندگی جسمی و فیزیکی ما مهمتر است، ما در این درس یاد میگیریم که چگونه زندگی سرشار از ایمان را داشته باشیم. همچنین بررسی می کنیم که چرا تصمیمات روحی بسیار مهم تر از تصمیمات عادی ما در زندگی هستند. سپس به سوالات مرتبط با زندگی مردان و زنانی که به خداوند اعتقاد دارند، با او حرف می زنند و برای او زندگی می کنند، پاسخ خواهیم داد. آنها نمونه هایی برای ما هستند. برخی اوقات ما کارهای خوبی را که سایر مردم انجام داده اند را می بینیم و گاهی از اشتباهات آنها درس می گیریم. اگرچه ما این درسها را به کودکان و نوجوانان آموزش می دهیم، اما شما هم می توانید درکنار آنها برخی از جنبه های سرگرم کننده ی کتاب عهد عتیق را یاد بگیرید. مهم تر از همه، جالب بودن فراگرفتن ایده های نوآورانه برای استفاده از این اصول در زندگی روزانه ی خودتان است. ما واقعا خواهان یادگیری هرچه بیشتر درباره ی خداوند و زندگی مسیحی هستیم و به همین علت این اثر را نوشتیم.

از آنجایی که درباره ی ایمان به خدا صحبت می کنیم، پس بهتر است که این واژه را معنا کنیم. اصلی ترین آیه درباره ی این واژه در فصل 11 رساله ی عبریان این آیه است «حال ایمان، اعتقاد به هرآنچیزی است که آرزوی آن را در سر داریم و اطمینانی برای تمام آنچیزی است که قادر به دیدن آن نیستیم». برای ایمان داشتن به خداوند باید مطمئن باشیم که او وجود دارد حتی اگر قادر به دیدنش نیستیم. این ایمان از خداوند و عموما از کتاب مقدس او ناشی می شود. ما با این ایمان می توانیم به او و وعده هایش اعتقاد داشته باشیم و می توانیم هر آنچه را که از ما خواسته است انجام دهیم. کتاب مقدس برای تمامی مسیحیان، کتابی بسیار مهم است، اما کتاب واقعا حجیمی است. همه ی ما نتوانستیم که کتاب مقدس را بخوانیم. این کتاب به قدری حجیم است که معلمان ما هم ممکن است که خیلی از چیزها را ندانند، اتفاقاتی که افتاده است را با هم اشتباه بگیرند، و دقیقا ندانند که هر اتفاقی چه زمانی و در کجا رخ داده است. حالا تصور کنید که بچه ها در این باره چه احساسی دارند! برای جلوگیری از این اتفاق ما می خواهیم تنها به بررسی کتاب عهد عتیق پرداخته و داستان های فصل 11 رساله ی عبریان را شرح دهیم. ما سعی می کنیم این بخش را یاد بگیریم و بدانیم که چگونه از آن در زندگی روحی خودمان استفاده کنیم. بچه ها اسم های کتابهای عهد عتیق برخی از رویدادهای مهم آن طبق یک نظام تاریخی یاد خواهند گرفت به همین علت دیگر آنها درباره ی تاریخ ها و رویدادها سردرگم نخواهند شد.

اصلی ترین دلیل برای اینکه چرا یاد گرفتن عهد عتیق اهمیت دارد این است که ما می توانیم از این عهد داستان ها و دستورالعملهای شگفت انگیزی را یاد بگیریم و آنها را در زندگی امروزمان عملی کنیم. خداوند به ما کلماتش را هدیه داده است، پس ما می توانیم ابرقهرمانان زندگی روزانه ی خودمان باشیم تا خدمتگزار خدا و دیگران شویم.

ماموریت اصلی شما، در صورتی که آن را بپذیرید، این است که هرکدام از درس ها را در زندگی روزانه ی خود عملی کنید به عنوان مثال این کار را برای کودکان و نوجوانان در خانه، کلاس یا کلیسا انجام دهید. اگر دانش آموزان شما کتاب مقدس را حفظ می کنند، ماموریت اصلی آنها این است که با هرآنچه که هر هفته یادگرفتند زندگی کنند. ماموریت شما این است که ببینید آنها چگونه از این درسها در زندگی روزانه اش استفاده می کنند. ما به جواب شما همین حالا نیاز داریم. این پیام 10 ثانیه دیگر به صورت خودکار از بین می رود.

به امید اینکه خداوند به زندگی شما برکت دهد زیرا شما راهنمای کودکان و نوجوانان

اطرافتان به وسیله ی کتاب «قهرمانان ایمان» بوده اید.

با عشق،

گروه خالق اثر «بچه ها مهم هستند»



چگونه از این اصول استفاده کنیم

شرح نیاز / نتیجه

برنامه

باز کن :

- خوش آمدی
- نیاز به داستان
- ترانه

درس اصلی

فعالیت (اختیاری)

قطعهنامه نیازمندی

کتاب های

- گاهشمار
- صفحه فعالیت

سوالات و پاسخ ها (دانش آموزان مسن تر)

بازی (اختیاری)

حضور

وظیفه

«معلم خوب کسی نیست که دانش خودش را به دانش آموزانش انتقال دهد، بلکه کسی است که علایق آنها را بیدار کند و به آنها بیاموزد که مشتاقانه علایق خودشان را دنبال کنند» - م.ج. بریل

شما باید نه تنها به دانش آموزانتان در کلاس درس توجه داشته باشید، بلکه باید توجه کنید که آنها هر آنچه را که آموخته اند در زندگیشان به کار ببرند، آنها به یک انگیزه برای این کار نیاز دارند. بسیاری از افراد با دادن شیرینی و جایزه به بچه ها یا تنبیه آنها در صورتی که بی توجه باشند، سعی می کنند به آنها انگیزه دهند. این دو روش باعث می شود که آنها در کلاس رفتار خوبی را داشته باشند، اما به آنها انگیزه ای نمی دهد که اصولی را که یاد گرفتند همین که به خانه برگشتند در زندگی خودشان به کار گیرند. ما به عنوان معلمان کودکان در کلیساهای مسیحی، آنها را سرگم نمی کنیم که مزاحم ملاقات های بزرگسالان نباشند، بلکه ما تلاش می کنیم که نسل معتقدی را پرورش دهیم که از خداوند پیروی می کند، او را می شناسد و به او خدمت می کند. اگرچه این کار دشواری برای هریک از ماست، اما نکته جالب در اینجا است که خداوند بیشتر از ما مراقب همه ی بچه ها است و او به ما قدرتش را می دهد تا ادامه دهیم و خردش را اعطا می کند تا زندگی هر یک از این بچه ها را برانگیزیم و تقویت کنیم.

ما به منظور کمک کردن به شما در انگیزه دادن به دانش آموزانتان، در ابتدای هر درس یک «شرح نیاز» قرار داده ایم تا به دانش آموزان کمک کنیم که نیازشان را به خداوند درک کنند و بتوانند هر آنچه را که یاد میگیرند در زندگیشان به کار ببرند. هر کدام از این شرح نیازها شامل یکی از 5 شخصیت داستانی می شود که ما خلق کرده ایم. لطفا در صورت تمایل نام آنها را تغییر دهید. یک ایده می تواند خواستن یک داوطلب برای نمایش دادن هر کدام از داستان ها در طول هر هفته باشد. اگر این کار عملی نبود، شما می توانید به سادگی این داستان ها را با صدای بلند برای بچه ها بخوانید. شما می توانید از بچه ها بخواهید که نظراتشان را بر حل مشکل هر کدام از داستانها مطرح کنند. به آنها نگوئید که نظر آنها بد یا خوب، اشتباه یا نادرست بوده است، و هیچ راه حل دیگری نیز به آنها ارائه ندهید. از این مشکل حل نشده برای جلب توجه ی دانش آموزان به درس استفاده کنید.



بخش نتیجه گیری، بخش بعدی درس است. اگر بچه ها برای مدت زمان زیادی نشسته اند، قبل از بخش نتیجه گیری، فعالیتی را انجام دهید. هر موقع آماده بودید، درباره ی «شرح نیاز» به بچه ها یادآوری کنید و سپس از بازیگرانی برای نشان دادن نتیجه استفاده کنید یا آن را به سادگی برای بچه ها روایت کنید. این بخش، مشکل موجود در شرح نیاز را حل کرده و می تواند به بچه ها درباره ی مشکلی که با آن در مدرسه یا خانه روبه رو هستند کمک کند. بدین روش شما می توانید به بچه ها انگیزه ای بدهید که از درسهایی که آموخته اند در زندگی روزانه شان استفاده کنند!

درس اصلی

این برنامه ی درسی در واقع بررسی مطالعات عهد عتیق است. در بسیاری از درس ها، ما تمام زندگی یک فرد یا یک قهرمان را در کتاب مقدس بررسی می کنیم. شما به عنوان یک معلم هم می توانید از این درسها به عنوان آموزشی برای خودتان استفاده کنید و پیامهای کتاب مقدس را که بر اساس زمان در این کتاب لیست شده اند را بخوانید تا ببینش جدیدی در این باره بگیرید. خلاصه ای از زندگی هر

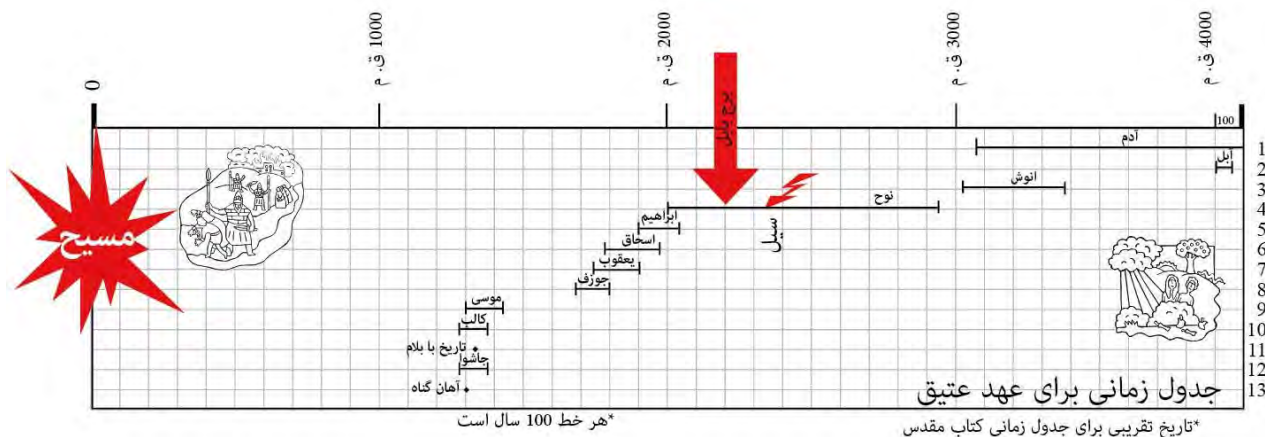


قهرمان در درس اصلی بیان شده است. شما می توانید آزادانه از بچه ها بخواهید که اطلاعات اضافه ی خودشان را درباره ی زندگی آن قهرمان بیان کنند، تا توجه آنها را به درس جلب کنید.

لطفا سعی کنید که بخش داستان کوتاه باشد تا زمان کافی برای بیان نکته ی اصلی یا برنامه داشته باشید. در انتهای هر درس بخش تصمیم گیری برای بچه ها وجود دارد. این تصمیم گیری اصلی ترین بخش کل درس است که مثل یک گل در بازی فوتبال می ماند. اگر شما خوب بازی کنید، و مانع از این شوید که تیم مقابل توپ را از شما بگیرند، اما هیچ وقت گلی به ثمر نرسانید، در واقع بازی را نبرده اید. مطمئن شوید که بخش اصلی درس را انجام داده اید و به بچه ها کمک کرده اید که این تمرین را در زندگیشان عملی کنند. در آیه جیمز 1: 22-24 ما می خوانیم که «فقط به این کلمات گوش ندهید و خودتان را فریب دهید. آنچه را که می گوید عمل کنید. هرکسی که به این کلمات گوش می دهد اما به آن عمل نمی کند همانند فردی است که به چهره اش در آینه نگاه می کند اما به محض اینکه از جلوی آینه کنار می رود فراموش می کند که چهره اش چگونه بوده است». در قرن نهم ما داستانهایی را درباره ی عهد عتیق خوانده ایم که به ما نشان می دهد چه کارهایی را باید انجام دهیم و چه کارهایی را نباید انجام دهیم. نگاه کردن به قهرمانان عهد عتیق مثل نگاه کردن به خودمان در آینه است و به ما فرصتی برای یادگرفتن از زندگیشان را می دهد. بیایید به بچه ها یاد دهیم که همانند آنها زندگی کنند و از اشتباهاتشان درس بگیرند و برای خداوند زندگی کنند.

جدول زمانی

هر هفته بچه ها خطی را در جدول زمانی کتابهایشان رسم می کنند که نشان دهنده ی زندگی قهرمان داستان کتاب مقدس است. برای مثال در درس 1، زندگی آدم را در شماره 1 رسم می کنند. شماره ها نشان دهنده ی شماره ی درس است. این کار برای این است که بچه ها حساب کنند که از کجا خط را باید شروع کنند و طول آن خط باید چقدر باشد. هر مربع نشان دهنده ی 100 سال است. برای مثال، زندگی آدم در 6 امین روز خلقت شروع شد و 930 سال بعد پایان یافت که معادل 9 و 1/3 مربع های جدول زمانی می شود. دیدن زندگی هر کدام از این قهرمانان با جزئیات شگفت انگیز آن جالب است، مثل این واقعیت که زمان میان مرگ آدم و نوح مثل زمان بین مرگ ابراهیم و عیسی بوده است!



تکلیف

ابزار دیگری که به شما کمک می کند تا به بچه ها یاد دهید که به درسهایی که یاد میگیرند عمل کنند، تکالیف خانه در هر هفته است. هر درس دارای فعالیتی است که بچه ها می توانند در اواسط هفته آن را انجام دهند.

در آیه ی یوحنا 14:23، عیسی بیان کرده است «هرکسی که مرا دوست دارد از آموزش من اطاعت می کند. پدرم هم آنها را دوست خواهد داشت و خانه ی من را با آنها خواهیم ساخت».

بچه ها به وسیله ی این تکالیف می توانند خدا را نه فقط در کلیسا بلکه در هفته وارد زندگیشان کنند. برای دانش آموزان بزرگتر، یک تکلیف خواندنی نیز در کتاب مقدس وجود دارد. چند دقیقه از کلاس را به تکالیف خانه اختصاص دهید و به آنها فرصتی برای تمرین و بحث در باره ی این تکالیف بدهید. به آنها بی هفته ی گذشته تمرینشان را کامل انجام داده اند یا یک شکلات و یا جایزه کوچک پاداش بدهید.



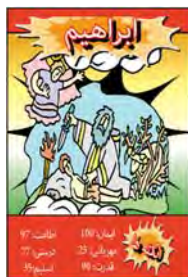


حضور/ بازی قهرمانان

این بازی شامل مجموعه ای از کارتها می شود که به بچه ها برای حضورشان در کلاس جایزه داده می شوند. این کارت ها می توانند کارت و یا برجسبهای حضور باشند. علاوه بر این می توان به عنوان یک بازی آن را در نظر گرفت! در پایان هر فصل (13 درس یا 3 ماه) بچه ها می توانند با این کارتها بازی کنند، دستورالعمل بازی را برای اطلاعات بیشتر بخوانید:

بازی جایگزین:

از بچه ها بخواهید که بر روی یک تکه کاغذ عدد 1 تا 10 را بنویسند. سپس معلم می تواند هر کدام از 10 سوال پیش فرض را که در دستورالعمل بازی آمده است، از آنها بپرسد. برای هر سوال، دانش آموزان باید بنویسند که کدام ویژگی یا کیفیت در آن شرایط و موقعیت مورد نیاز است: قدرت، کمال، اطاعت، جرات یا ایمان. هر کسی که تعداد بیشتری را درست حدس زده باشد یک آبنبات یا جایزه کوچکی را برنده می شود.



1. اعتقاد به خدا

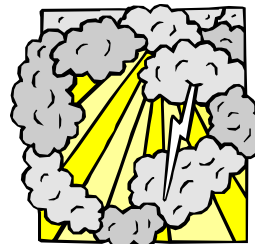


داستان کتاب مقدس: خلقت

کتاب پیدایش 1:1-3:2، کتاب عبرانیان 11:1-3

حفظ آیه ی 1

عبرانیان 11:1 « حال ایمان ، اعتقاد به هرآنچیزی است که آرزوی آن را در سر داریم و اطمینانی برای تمام آنچیزی است که قادر به دیدن آن نیستیم»



شرح نیاز 1



در روز یکشنبه مدرسه، آنها درباره ی خلقت به «باز» درس دادند ، آنها به او گفتند که خداوند کل جهان را در شش روز آفریده است. چند روز بعد، معلم از آنها خواست که کتاب زیست شناسیشان را بیاورند و به آنها مفهوم تکامل را نشان داد و به آنها گفت که ما در اثر تکامل میمونها شکل گرفته ایم. این حرف بر روی «باز» تاثیر گذاشت. او گفت: «آنها در کلیسا به من یک چیز یاد می دهند. اما در مدرسه به چیز دیگر یاد می دهند»

درس اصلی 1

به برنامه ی آموزشی جدید یکشنبه مدرسه به اسم «قهرمانان ایمان» خوش آمدید که در این برنامه ما به بررسی جامعه عهد عتیق از دیدگاه فصل 11 کتاب عبرانیان می پردازیم که در آن پائول به ما لیستی از قهرمانان ایمان داده است. در مطالعه ی عهد عتیق ما با بسیاری از مردمان با حرفه و یا شغلهای متنوع آشنا می شویم. برخی از آنها کشاورز، مادر، کشیش، آشپز، پادشاه و خدمتگزار هستند. با این حال خواهیم دید که در زندگی هرکدام از آنها، تصمیمات روحی که روزانه می گیرند از زندگی و شغل فیزیکی و جسمانی آنها به مراتب مهم تر است. آیا می دانید که وقتی بزرگ شوید، چه شغلی خواهید داشت؟ دوست داری که یک آتش نشان، دکتر، مهندس، کشیش، معلم و یا مکانیک شوید؟ وقتی ما درباره ی زندگیمان فکر می کنیم، در واقع به کارمان و یا موقعیت مان در جامعه فکر می کنیم. با این وجود، به آن اندازه ای که قلبمان و رابطه ی مان با خداوند برای خدا مهم است، کارمان مهم نیست. خداوند برای زندگی شما یک برنامه ی ویژه دارد!

در داستان امروز کتاب مقدس، ما درباره ی خلقت یاد میگیریم، هفته ای که خداوند به جهان دستور داد که موجودیت پیدا کند. کتاب مقدس بیان می کند که با ایمان ما خواهیم فهمید که جهان به فرمان خداوند شکل گرفته است، بنابراین آنچه را که ما در حال حاضر می بینیم از چیزهای قابل رویت شکل نگرفته است. (عبرانیان 11:3) طبق فصل 1 و 2 کتاب پیدایش در ابتدا خداوند زمین را در شش روز خلق کرد.

روز اول: شب و روز

روز دوم: آسمان و دریا

روز سوم: زمین و گیاهان

روز چهارم: ستارگان، خورشید و ماه

روز پنجم: حیوانات آبی و پرندگان

روز ششم: حیوانات خشکی زی و انسانها

کتاب مقدس به ما حکایت خداوند را در ابتدای جهان بیان می کند و میگوید که ما چگونه خلق شده ایم. خداوند جهان ما را در 6 روز خلق کرده است و او آدم و حوا را به عنوان اولین انسان ها آفریده است و آنها را در باغ عدن قرار داده است. در روز 7 ام خداوند از کارش آسوده شده است.





مردم به چیزهای مختلفی اعتقاد دارند. شما ممکن است که به مدرسه بروید و همه چیزهایی را درباره ی تکامل و اینکه چگونه جهان میلیاردها سال قدمت دارد بشنوید. برخی مواقع افراد شروع به تفسیر وجودیت انسان می کنند تا از اعتقاد به خداوند اجتناب کنند و از علم برای اثبات نظریاتشان استفاده می کنند. ما به عنوان یک مسیحی درباره ی گذشته کور نیستیم، زیرا ما به کتاب مقدس اعتقاد داریم، کتابی که به ما درباره ی تاریخ شروع جهان می گوید.

من به خداوند اعتقاد دارم، من معتقدم که او جهان را خلق کرده، و من باور دارم که کتاب مقدس به من تاریخ دقیق جهان را می گوید. خداوند برای زندگی من برنامه ای دارد و من تصمیم میگیرم که او را باور داشته باشم.

نتیجه 1



بچه ها بهتر است بدانند که مردم به خیلی چیزها اعتقاد دارند. برای مثال مردم عقیده داشتند که جهان صاف و تخت است اما حالا براین اعتقاد نیستند. امروز یاد می گیریم که خداوند جهان و هرآنچه که درون آن است را خلق کرده است.

فعالیت 1

کدام یک را بیشتر دوست دارید؟



از هرکدام از بچه ها بپرسید که درباره ی هر روز از خلقت، کدام یک را بیشتر دوست دارند.

روز 1 کدام یک را بیشتر دوست دارید: روشنایی یا تاریکی؟

روز 2 شنا کردن مثل ماهی را ترجیح می دهید یا پرواز کردن را؟

روز 3 کدام یک را بیشتر دوست دارید، روز یا شب؟

روز 4 گیاه یا درخت مورد علاقه ی شما چیست؟

روز 5 کدام پرنده یا ماهی را بیشتر از همه دوست دارید؟

روز 6 حیوان مورد علاقه ی شما چیست؟

روز 7 در یک روز تعطیل چه کارهایی را انجام می دهید؟

جدول زمانی 1

خط زندگی آدم را رسم کنید.

سوال: آدم در چه زمانی متولد شد؟ پاسخ: در روز 6 ام خلقت

سوال: آدم چه مدت زندگی کرد؟ پاسخ: 930 سال

جواب پازل 1

در ابتدا **خداوند**، **نور** را خلق کرد و **دید** که این **عالی** است پس آن نور را، «روز» نامید و **تاریکی** را «شب» نام نهاد. روز **دوم** خداوند **آسمانها** را **خلق** کرد. **روز سوم**، خداوند سطحی را **ساخت** و آن آب را، دریا و بخش **خشکی** را **زمین نامید**. سپس او گیاهان را خلق کرد، **گیاهانی** که دارای بذر بودند و **درختانی** که میوه داشتند. در روز چهارم، او **ستارگان**، خورشید و **ماه** را آفرید. روز پنجم، او **حیوانات** آبی و پرندگان را خلق کرد. روز **ششم**، او حیوانات **وحشی** و حشرات را آفرید، او مرد و زن را بوجود آورد و آنها را تیرک داد و به آن چه که ساخته بود، **قدرت** داد.





آ	ج	6	س	ن	آ	خ	م	س	6
ش	ا	ر	د	ا	و	د	ک	ا	ش
گ	ت	و	6	ر	ق	و	ل	خ	م
س	ز	ق	ش	س	ا	م	ح	ق	ت
ت	آ	ل	ل	م	ک	ن	ی	ز	م
ا	د	6	د	خ	ل	د	و	ل	و
ر	م	ر	ر	ا	ه	ج	ا	6	خ
ک	آ	و	ص	ن	ه	ن	م	ه	م
ا	ه	ا	ن	س	ا	آ	ا	ت	ا
ن	ت	و	ز	ر	6	ه	ت	ن	ش



سوالات و جواب های 1

1. اگر خداوند ما را به عنوان روبات خلق می کرد، ما چگونه بودیم؟ (هیچ کس نمی توانست بنوشد، سیگار بکشد و ...، اما این کار شور و اشتیاق ما را از بین می برد. ما همانند برده ها می بودیم که هیچ گاه نمی توانستیم آزاد باشیم)
2. شما می خواهید در آینده چگونه به خداوند خدمت کنید؟ (بچه ها را تشویق کنید که در این باره بحث کنند. به یاد داشته باشید که خداوند به هر فرد قابلیت های متفاوتی داده است و بازوی عیسی هیچگاه از چشم او بهتر نیست و یا برعکس (هیچ کس بر دیگری برتری ندارد))
3. مهمترین تصمیمات زندگی ما چه تصمیم هایی هستند؟ (تصمیمات روحی و معنوی، اطاعت از خداوند، ازدواج کردن، اطاعت و پیروی از خداوند حتی در موارد کوچک)
4. رفتار انسانی از کجا ناشی می شود، از یک میمون، انفجار بزرگ و یا از خداوند؟ (پیش از رسیدن به جواب درست بحث کنید)

بازی 1

کیسه لوبیا



یک پوستر بزرگ درست کنید که در آن آیه به بخشهای کوچکتری تقسیم شده باشد. در این بازی، بچه ها باید سعی کنند که این آیه را تمرین کنند:

- معلم باید بازی را با پرت کردن یک کیسه لوبیا یا توپ به سمت بچه ها شروع کند. آن کودک باید بایستد و قسمت اول آیه را بلند بگوید.
- کودک پس از گفتن آیه باید کیسه لوبیا را به سمت کودک دیگری پرتاپ کند، کودک بعدی نیز پس از گرفتن کیسه باید قسمت بعدی آیه را بلند بگوید.
- کودکی می بازد و از بازی بیرون می آید که:
 - عبارت را به درستی بیان نکند.
 - از جای خودش بلند نشود
 - عبارت را بلند نگوید (آن را آرام بیان کند)
 - یا عبارت کودک قبلی را تکرار کند.
- پس از اینکه نوبت به همه رسید، می توانید این بازی را دوباره و هر بار سریع تر از دفعه ی قبل انجام دهید.





حضور 1

به بچه ها برای حضور امروزشان در کلاس یک کارت بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که برای دریافت کارت بعدی نیز هفته آینده در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند بازی قهرمانان را بازی کنند! کارت امروز به این شکل است:

خلقت

تکلیف خانه 1

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما گرفتن عکس یا کشیدن یک نقاشی ساده از چیزهایی است که خداوند در طول هفته ی خلقت انجام داده بوده است.

- دو شنبه: عکس یا نقاشی در طول روز یا طول شب.
- سه شنبه: عکس یا نقاشی که نشان دهنده ی آسمان، دریا، دریاچه یا رود باشد.
- چهارشنبه: عکس یا نقاشی که نشاندهنده ی گیاهان و درختان باشد.
- پنج شنبه: عکس یا نقاشی از خورشید، ماه و ستارگان.
- جمعه: عکس یا نقاشی از ماهی و پرندگان.
- شنبه: عکس یا نقاشی از حیوانات و مردم.
- یک شنبه: فارق از هرگونه تکلیف.

بخوانید

- روز 1: کتاب پیدایش 3:1-10
- روز 2: کتاب پیدایش 3:11-19
- روز 3: کتاب پیدایش 3:20-42
- روز 4: کتاب پیدایش 4:3-16
- روز 5: کتاب پیدایش 4:17-26



2. قلبت را به او بده



قهرمان: آبل

کتاب پیدایش 1:4-16 و کتاب عبرانیان 4:11

حفظ آیه 2

مارک 30:12 «پروردگار سرورت را با تمام قلبت و تمام روحت و تمام ذهن و قدرنت دوست بدار»



شرح نیاز 2

صبح زود یکشنبه بود که پدر کامت به تخت او رفت و پسرش را بیدار کرد و به او گفت «پسر، لطفا ماشین من را بشور. من باید جایی بروم و وقت کافی برای انجام این کار الان ندارم.» کامت بیدار شد و تکلیفش را انجام داد، حیاط خانه را تمیز کرد و آشغال ها را بیرون برد. اون همه کار جز کاری که پدرش به او گفته بود را انجام داد. پس از انجام همه ی این کارها به مغازه رفت و برای پدرش یک کادو گرفت. وقتی پدرش برگشت، کامت رفت و در را برایش باز کرد و هدیه ای که برایش خریده بود را به او داد. پدرش نه از او تشکر کرد و نه حتی بغلش کرد، چون از پسرش به خاطر اینکه چیزی را که ازش خواسته بود، انجام نداده بود، خیلی ناراحت بود.

درس اصلی 2

به «قهرمانان ایمان» خوش آمدید! دیروز ما یادگرفتیم که به خداوند اعتقاد داشته باشیم. ما می خواهیم به گونه ای زندگی کنیم که نشاندنده ی اعتقاد ما به خداوند باشد. امروز می خواهیم درباره ی دو برادری را که هر دوی آنها کاری را انجام داده اند تا اعتقادشان را به خداوند نشان دهند، صحبت کنیم. اما یکی از این دو برادر خداوند را خشنود کرده اما دیگری نه.

در فصل 4 کتاب پیدایش، ما خواندیم که آدم و ایوا دو پسر داشتند، یکی از آنها کاین بود که کشاورز شد و دیگر آبل که به یک چوپان تبدیل شد. هر دوی آنها برای خداوند از کارهایشان هدایایی می آوردند. کاین محصولش را آورده بود اما آبل تکه ای چربی از یکی از تازه متولد شده های گله اش آورده بود. وقتی آنها دیدند که خداوند از پیشنهاد آبل بیشتر از پیشنهاد کاین خوش آمده است، کاین خیلی از آبل ناراحت شد. خداوند به او هشدار داد، اما کاین به جای آنکه به خداوند گوش کند، آبل را کشت! خداوند کاین را ه خاطر قتل برادرش تنبیه کرد و او را از خانواده اش بیرون انداخت و به او شغل سخت و دشواری داد.

بعضی مواقع هنگامی که ما از خداوند پیروی می کنیم، به جای خوشنود کردن خداوند، دست از پیروی کردن قانون و قواعدها بر می داریم. درست مثل کامت در داستان قبلی، ما هر کاری می کنیم تا خداوند را خوشنود و راضی کنیم به جز کاری که او از ما خواسته است. ما مراقبیم که حرف بد نیز نزنیم، سیگار نکشیم، و هر هفته به کلیسا برویم، اما بعضی مواقع ما اینکارها را انجام می دهیم برای اینکه دیدگاه سایر مسیحی ها درباره ی ما برایمان مهم است. عیسی بیان کرده است که این کار نشان می دهند که ما باور و اعتقاد نداریم چون درواقع ما دیگران را ستایش می کنیم به جای آنکه خداوند را راضی نگه داریم (یوحنا 4:5). هنگامی که خداوند با کاین به خاطر کاری که می خواست انجام دهد روبه رو شد، او می توانست نظر خودش را تغییر دهد تا خداوند را خوشنود و راضی کند.

خداوند از ما در مارک 12:30 خواسته است که او را با تمام قلبمان، تمام روحمان، و تمام قدرتمان دوست بداریم (همچنین در تثبیه 6:5 و لوقا 20:27). آبل به خداوند قلبش را اعطا کرد، زیرا او خداوند را بسیار دوست داشت، او به خداوند بهترین بهترین چیزی را که داشت بخشید. آیا شما همانند کایت هدیه ای خالی به خداوند می دهید یا همانند آبل قلبتان را می دهید؟

من می خواهم به خداوند آنچه را که می خواهد بدهم: قلبم را!!





نتیجه 2

وقتی کامت فهمید که پدرش هیچ حرفی به او نزده است، با ناراحتی به اتاقش رفت. او خیلی عصبانی بود به خاطر تمام کارهایی که برای پدرش انجام داده بود، اما پدرش حتی از او تشکر هم نکرده بود.

فعالیت 2

دستورالعمل عشق

چند صفحه کپی از عکس دستورالعمل بگیرید، و هر کدام را به هریک از بچه ها بدهید. بچه ها می توانند آن را رنگ کنند یا به خانه ببرند.

2 فنجان اعمال خوب

2 فنجان اطاعت

4 قاشق غذاخوری زمان کافی برای کنار هم بودن

1 لیوان آب برای مواقع تشنگی

1 قاشق غذاخوری مهربانی

1 قاشق غذاخوری از «نمک زمین»

جدول زمانی 2

خط زندگی ابل را رسم کنید.

سوال: آدم هنگامی که ابل بدنیا آمد چند ساله بود؟ پاسخ: زمان دقیقی وجود ندارد اما، به نظر می رسد که آدم حدود 50 سال سن داشته است.

سوال: ابل چه مدت زندگی کرد؟ پاسخ: زمان دقیقی وجود ندارد، اما به نظر می رسد که حدود 50 سال زندگی کرده است.

جواب پازل 2

1. ابل پسر دوم ادم و ایوا بود. (درست)

2. کاین بیشتر از ابل به نگهداری از گوسفندان علاقه داشت. (غلط)

3. خداوند از پیشنهاد هم کاین و هم ابل خوشنود شد. (غلط)

4. کاین از برادرش عصبانی بود و او را به قتل رساند. (درست)

5. خداوند متوجه مرگ ابل نشد. (غلط)



دستورالعمل

عشق



۲ فنجان اعمال خوب

۲ فنجان اطاعت

۴ قاشق غذاخوری زمان کافی برای کنار هم بودن

۱ لیوان آب برای مواقع تشنگی

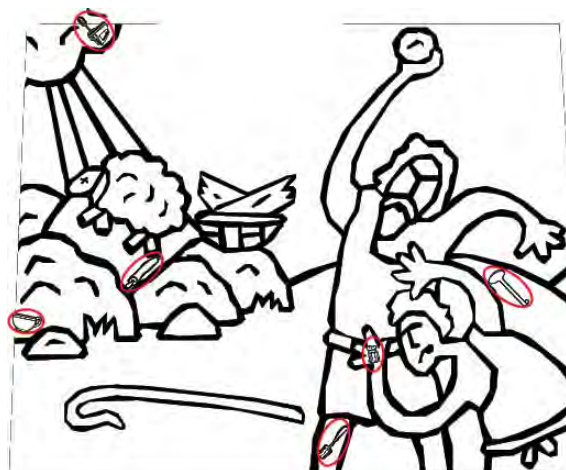
۱ قاشق غذاخوری مهربانی

«۱ قاشق غذاخوری از «نمک زمین»





جدول زمانی 2



ک	ه	د	ر	و	ح	ب	ی	ر	ف
ا	و	ه	ل	ک	ب	ق	ض	ر	خ
ی	خ	ض	ز	ن	ر	و	ی	د	ب
ن	د	ق	ا	م	ا	ب	ن	ا	ر
ر	ا	ی	ی	ه	ی	خ	ا	ی	و
ل	و	ن	د	و	ا	د	ا	ب	د
ه	ن	ض	ر	م	ا	ک	ا	ض	ر
گ	د	د	ح	ب	د	ق	م	ن	ی
و	ه	د	ل	ک	ب	ن	ل	ب	ق

درست یا غلط

اگر جمله درست بود علامت و اگر غلط بود علامت رسم کنید.

1. ابل پسر دوم آدم و حوا بود.
2. کاین بیشتر از ابل دوست داشت از گوسفندان مراقبت کند.
3. خداوند از هر دو پیشنهاد ابل و کاین خشنود شد.
4. کاین از برادرش عصبانی شد و او را کشت.
5. خداوند متوجه نشد که ابل مرده است.

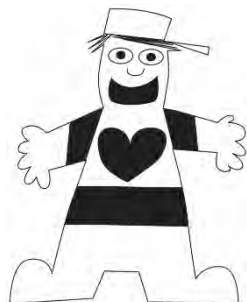
سوالات و جوابهای 2

1. در چه شرایطی می توان خداوند را فریب داد؟ (سعی کنید موقعیت های مختلفی را مثال بزنید، سریعاً جواب صحیح را با گفتن کلمه ی هیچ کجا به بچه ها نگویید.)
2. همه ی انسان های خوب به بهشت می روند، درست است؟ (نه. «خوب» بودن به ما مجوز ورود به بهشت را نمی دهد. تولد دوباره به ما امکان ورود به بهشت را می دهد.)
3. آیا من باید برای عیسی یک آدم ساده و احمق باشم؟ (در تمام شغلهایی که پیرو عیسی مسیح هستند هم آدم عاقل وجود دارد هم احمق)

بازی 2

تیراندازی به هدف

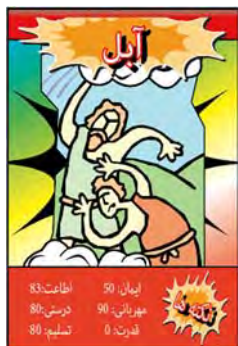




نقاشی این کودک را بر روی یک پوستر کپی کنید. قسمت های مشکی را که در نقاشی مشخص شده اند را برای ایجاد سوراخ به عنوان هدف با قیچی ببرید.

- توپهای کاغذی برای هر کودک با مجاله کردن یک کاغذ و تبدیل آن به توپ، بسازید.
- به آنها توضیح دهید مه باید توپهایشان را درون سوراخ قلب این کودک بیاندازند. اگر به هر قسمت دیگر بدن این کودک بخورد، امتیاز نمی گیرید.
- هرگاه توپ وارد قلب شد، بچه ای که توپ را انداخته است 1 امتیاز می گیرد. کودکی که بیشترین امتیاز را دریافت کند، برنده است.

حضور 2



به بچه ها کارت امروز را به خاطر حضورشان در کلاس بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید تا هفته ی دیگر هم برای دریافت کارت دیگر در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

آبل

تکلیف خانه 2

تکلیف

تکلیف این هفته شما این است که چیزی را از صمیم قلب له کسی بدهید. کتاب مقدس بیان میکند که هرگاه ما کاری را برای دیگران انجام میدهم در واقع آن کار را برای عیسی انجام میدهم. (متیو 25:40)، پس این هفته به دنبال فرصتی باشید تا به کسی کمک کنید یا به کسی چیزی را که نیاز دارد بدهید. البته مطمئن شوید که خانواده شما اجازه این کار را به شما داده باشد. هیچ کار خطرناکی انجام ندهید. چیزی را برای اینکه چیز دیگری را در عوض آن بدست آورید به کسی ندهید.

خواندن

روز 1 : کتاب پیدایش 5:1-8

روز 2 : کتاب پیدایش 5:9-16

روز 3: کتاب پیدایش 5:17-24

روز 4: کتاب پیدایش 5:25-32

روز 5: کتاب پیدایش 6:1-8



3. خشنود کردن خداوند



قهرمان : اینوک

کتاب پیدایش 24-21:5 ، کتاب عبرانیان 6-5:11

حفظ آیه 3

یوحنا 14:23 «عیسی پاسخ داد هر کسی که مرا دوست دارد از آموزش من پیروی میکند. پدرم هم آنها را دوست خواهد داشت و ما به سوی آنها خواهیم آمد و خانه یمان را با آنها خواهیم ساخت.»



شرح نیاز 3

دوست تافی درباره یکی از مشکلاتش ناراحت بود. پس پیش تافی رفت و نظرش را خواست، او گفت: «خانواده من بهم اجازه نمیدن که تنها به مزرعه پسر عموهایم بروم، اما من میخوام به آنجا بروم تا کلمات خداوند را با آنها در میان بگذارم. نمیدانم که باید بدون اجازه به آنجا بروم یا نه. فکر میکنم که باید این کار را انجام بدهم اما نمیدانم چه چیزی خداوند را خشنود میکند. به نظر تو باید چه کار کنم؟ علاوه بر این میخوامم ازت بپرسم که در رسانه های اجتماعی چه کاری باید انجام دهم. من یک تصویری دیدم که گفته بود کاری را انجام بده که بهت احساس خوبی بدهد و به من رفتن به مزرعه پسر عموهایم حس خوبی میدهد.»



درس اصلی 3

به قهرمانان ایمان خوش آمدید! ما یاد گرفته ایم که به خداوند اعتقاد داشته باشیم و تتم قلبمان را به او بدهیم. حال میخوایم یک قدم جلوتر برویم. آیا هیچ وقت معلمان را یا مادر یا پدرتان را خشنود کرده اید؟ اینکه کسی بهتان بگوید که کارتان خوب بوده است بهتان احساس خوبی میدهد؟ احساس خوبی در شما بوجود میآید و باعث میشه لبخند بزرگی بر روی صورتتان نمایان شود. بیایید امروز درباره ی مردی یاد بگیریم که خداوند را خشنود کرده و یاد بگیریم که چگونه میتوانیم خدا را خشنود کنیم.

در گذشته های دور مردی به نام اینوک وجود داشت. ما اطلاعات کافی درباره این مرد نداریم اما میدانیم که این مرد بسیار خوب بوده است. «اینوک با خداوند قدم میزد و سپس دیگر وجود نداشت زیرا خداوند او را با خود برده بود.» کتاب پیدایش 5:24. خداوند او را بسیار دوست داشت و او را با خود برد! چقدر خاص! روزی ما او را در بهشت خواهیم دید و میتوانیم تمام زمانمان را با او سپری کنیم. در کتاب عبرانیان 6-5:11 ما خواندیم که «او به عنوان کسی که خداوند را راضی و خشنود کرده است مورد ستایش قرار گرفت» آیا میتوانید تصور کنید که دیدن خداوند برای او چگونه بوده است؟ اینوک قطعاً بزرگترین لبخند عمرش را بر صورتش داشته است!

راهی که ما می توانیم خداوند را خوشنود کنیم، اعتقاد به کلماتش و همراه بودن با او مثل اینوک است. کتاب عبرانیان 11:6 بیان می کند «بدون ایمان، خوشنود کردن خداوند غیر ممکن است زیرا هرکسی که به سمت او می آید باید اعتقاد داشته باشد که او وجود دارد و به افرادی که ازش پیروی می کنند، پاداش می دهد. «ما به خداوند اعتقاد داریم، و او را با اعتقادمان و عمل به کلمات کتاب مقدس پیروی می کنیم.»

در داستان قبل ما درباره ی دوست تافی خواندیم که می خواست بداند که باید چه کاری را انجام دهد. کتاب مقدس بیان می کند که خوشنود کردن و اطاعت کردن از خانواده اش، کاری است که باید انجام دهد.

کتاب مقدس کلمات خداوند به ما است. ما اعتقاد داریم که کتاب مقدس کلام محض خداوند است. (بدون هیچ اشتباه و خطایی). به همین سبب ما میتوانیم این کتاب را بخوانیم و باور داشته باشیم که گفته هایش حقیقت دارد. علاوه بر این کتاب مقدس کلمات زنده خداوند هستند!

چگونه می تواند این کلمات زنده باشند؟؟ کلمات خداوند زنده و موثر هستند (کتاب عبرانیان 4:12). آیا تابحال کتاب مقدس را خوانده اید و کلمات آن صفحه پر شده بود از کلماتی که واقعا آن روز به آن احتیاج داشته اید؟ مسیحیان تمام جهان این اتفاق را هر بار تجربه



میکند. یوحنا 1:14 بیان میکند که وقتی عیسی مسیح آمد همانند این بود که کتاب مقدس تبدیل به یک فرد شده و همانند انسانها با ما راه می‌رود! هنگامی که ما کتاب مقدس را می‌خوانیم و به آن اعتقاد داریم همانند این است که با خداوند راه می‌رویم، درست مثل اینوک!
من می‌خواهم خداوند را خشنود کنم پس به کتاب مقدس ایمان دارم و باور دارم که در این کتاب هیچ خطا و اشتباهی نیست و درباره زندگی مسیحیان یک دستور العمل است.



نتیجه 3

تافی گفت: «دوست من گوش کن، در کتاب مقدس بیان شده که شما باید خانواده خود را خشنود کنید و از آنها اطاعت کنید. علاوه بر این بیان کرده است که شما باید از توانایی های خودتان هم پیروی کنید و بهترین روش برای خشنود کردن خداوند این نیست که از من یا رسانه های اجتماعی سوال خودت را بپرسی بلکه باید کتاب مقدس را بخوانی. این کتاب جایست که خداوند میگوید چه چیزی را از تو می‌خواهد که انجام دهی.»

فعالیت 3

پیروی از رهبر



برای این فعالیت بچه ها باید دو نفری کار کنند. کتاب مقدس بیان کرده است که اینوک با خداوند راه میرفته است و این متفاوت است از اینکه بگوییم خداوند با اینوک راه میرفته است. اگر شما بخواهید که با کسی راه بروید شما باید او را دنبال کنید یا از او پیشی بگیرید و یا برگردید هنگامی که آنها بر میگردند. از بچه ها بخواهید که دو نفری یک گروه شده و یکی را به عنوان رهبر انتخاب کنند و پس از چند دقیقه رهبر را تغییر دهند. بهتر است که بدانید برخی مواقع دنبال کردن یک فرد آسان نیست زیرا شما باید هر لحظه آماده باشید که بایستید و یا هر کار دیگری را انجام دهید.

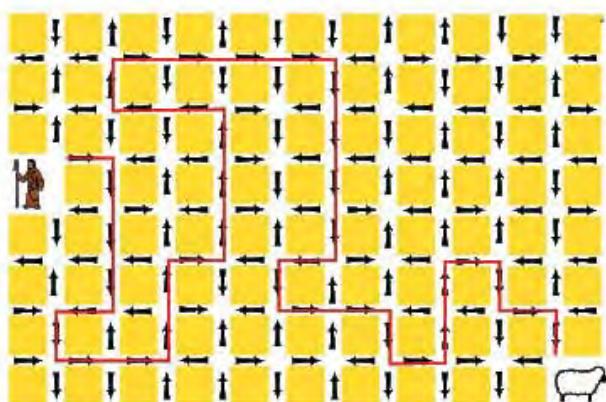
جدول زمانی 3

خط زندگی اینوک را رسم کنید.

سوال: آدم چند ساله بود زمانی که اینوک بدنیا آمد؟ پاسخ: 622 سال.

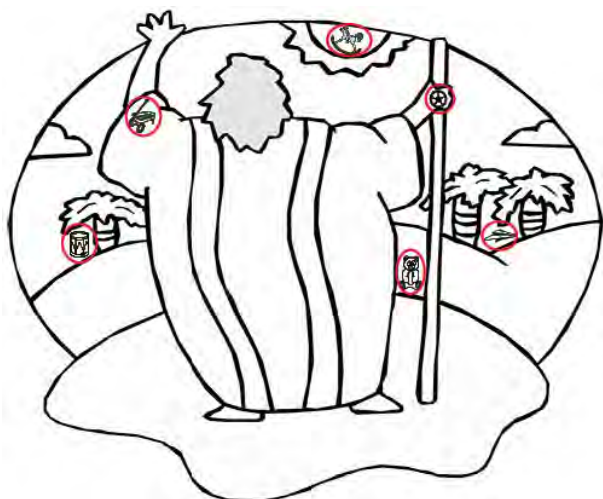
سوال: اینوک چه مدت زندگی کرد؟ پاسخ: 365 سال.

جواب پازل 3



خ	ش	ت	گ	د	و	ن	د	خ
پ	ه	ف	ر	ر	آ	خ	ی	م
ز	ا	پ	ف	د	ی	ش	ن	ا
د	ن	آ	م	ی	ا	د	ن	ه
د	ت	ل	ف	ی	ک	و	ش	ر
گ	خ	ا	ن	ت	پ	د	ه	ف
ی	و	آ	ف	ش	ه	ش	ا	م
ک	د	ه	د	ش	د	ی	ا	پ
ر	م	ا	ن	ه	ج	ه	خ	ن
د	گ	د	ه	ش	د	ه	ف	ر
ه	ا	ل	س	و	ی	ت	م	ف





سوالات و جواب های 3

1. آیا درست است که خداوند کتاب مقدس را نوشته است؟ (خداوند این کتاب را ننوخته اما او ایده نوشتن این کتاب را به نویسندگان آن داده است. این کتاب توسط چهل مرد و به مدت بیش از 1500 سال نوشته شده است.)
2. چرا من عالی نیستم؟ (درباره اینکه چگونه خداوند از ما میخواهد که از زندگیمان لذت ببریم صحبت کنید زیرا خداوند ما را ربات نیافریده است. تمامی انسان ها اشتباهاتی را انجام میدهند اما خداوند تمام کسانی را که از او پیروی کنند کمک خواهد کرد. علاوه بر این درباره عزت نفس و عشق و شکوه خداوند صحبت کنید.)
3. چگونه ما میتوانیم خداوند را خشنود کنیم؟ (با دادن قلب هایمان به او، اطاعت کردنش و سپری کردن زمانمان با او.)

بازی 3

تقویت کتاب پنجگانه عهد عتیق



بر روی هر کدام از پنج برگه کاغذ نام یکی از پنج کتاب اول کتاب مقدس را بنویسید و یکی از حرکاتی که در زیر بیان شده است را رسم کنید.

بر روی برگه ای دیگر عبارت «کتاب پنجگانه عهد عتیق» را بنویسید. خط شروع را با یک ریان یا یک صندلی مشخص کنید و برگه کتاب پنجگانه عهد عتیق را به عنوان هدف قرار دهید.

پنج برگه که نام های کتاب مقدس بر روی آن نوشته شده بود را در جاهای مختلفی و به دور از هدف قرار دهید.

حرکات

- کتاب پیدایش: کشش اندام.
- کتاب خروج: اسکوات.
- کتاب لویتکس: پرش.
- کتاب اعداد: چرخش.
- کتاب تثئیه: ایستادن بر روی یک پا

بازی

- گروه های دو نفری را برای شروع مسابقه ایجاد کنید.
- هر دانش آموز از هر تیم در یک زمان همزمان شروع به دویدن میکند.





- پس از رسیدن به هر کاغذ آن دانش آموز اسم کتاب مقدس را بلند بیان میکند.
- پس از گفتن هر کدام از کتاب های پنجگانه آن کودک باید دویده و هدف را لمس کند و همزمان با آن عضو تیم بعدی شروع میکند.
- اعضای گروه بایستی به سمت کتاب های مختلفی بدون.
- اولین گروهی که به همه ی پنج کتاب برسد و همچنین هدف را لمس کند برنده است.

بازی را تکرار کنید تا زمانی که تمامی کودکان اسم پنج کتاب مقدس را یاد گرفته باشند.



حضور 3

کارت امروز را به بچه ها برای حضورشان در کلاس بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را برای گرفتن کارت دیگری در هفته آینده تشویق کنید تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز بدین شکل است:

کتاب پنجگانه عهد عتیق

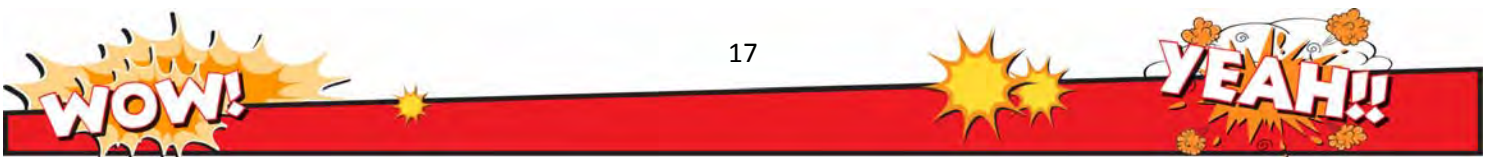
تکلیف خانه 3

تکلیف

تکلیف این هفته شما خواندن برخی از داستان های عهد جدید است و ببینید عیسی مسیح با شما راه می رود. درباره زمان هایی که فکر میکنید عیسی به شما کمک کرده است و یا به دیگران بخاطر اینکه شما از ایشان خواسته اید کمک کرده است بنویسید. در برخی مواقع او به ما ایده هایی میدهد پس شما میتوانید ایده هایی که عیسی به شما داده است را بنویسید. فقط قبل از آن با معلمان درباره این ایده ها صحبت کنید و مطمئن شوید که بر طبق کتاب مقدس است.

بخوانید

- روز 1: کتاب پیدایش 22-9:6
- روز 2: کتاب پیدایش 12-1:7
- روز 3: کتاب پیدایش 24-13:7
- روز 4: کتاب پیدایش 12-1:8
- روز 5: کتاب پیدایش 22-13:8



4. اطاعت از خداوند



قهرمان: نوح

کتاب پیدایش 6:9-17، کتاب عبرانیان 11:7

حفظ آیه 4

جیمز 1:22 «فقط به این کلمات گوش ندهید و خودتان را فریب ندهید، به آنچه می گوید عمل کنید»



شرح نیاز 4

خانواده ی کبک به یک سفر رفته اند، برای همین کبک در خانه ی پسرعموهایش مانده است. پدرش قبل از رفتن از او خواسته بود که شب بیرون نرود، این کار خطرناک است. آنها می خواهند در سفر استراحت کنند و مطمئن باشند که شب او بیرون نمی رود. کبک به آنها گفت «نگران نباش پدر، من هیچ کجا نمی روم». پس از اینکه خانواده اش رفتند، همان شب، پسرعمویش از او خواست که با او به شهر بروند. اون از این فکر خیلی خوشش آمد، پس آماده شد تا لباسهایش را عوض کند که برود. همه گفتند «خیلی خوب، بیایید برویم»



درس اصلی 4

آیا تا به حال حرفی مثل «من تا به حال از رطیل نترسیدم» را زده اید و وقتی یک از آن رطیلها را دیدید جیغ و فریاد زده و فرار کرده اید؟ یا آیا تا به حال به مادر و پدرتان گفته اید که شما هرکاری که ازتان بخواهند را انجام خواهید داد، اما پس از اینکه گفتند از آن نافرمانی کرده اید؟ هفته ی پیش ما یاد گرفتیم که به کلمات خداوند باور داشته باشیم، اما گفتن این حرف و عمل نکردن به آن بسیار آسان است! جیمز 2:26 بیان کرده است که ایمان ما میمیرد اگر به آن عمل نکنیم. امروز ما می خواهیم درباره ی مردی که ایمان بسیار زنده و پویا بود صحبت کنیم.

کتاب مقدس به ما بیان می کند که خداوند یکبار تصمیم گرفت که کل زمین را در سیل فرو کند زیرا تمامی مردمان آن بسیار ضعیف بودند. خداوند به نوح گفت، تو تنها مرد عادل بر روی زمینی پس یک کشتی (قایق بسیار بزرگ) بساز.

اطاعت کردن از خداوند به دلایل مختلف بسیار سخت است. برخی مواقع ما واقعا نمی خواهیم که اطاعت کنیم. کتاب مقدس درباره ی افکار نوح چیزی بیان نکرده است اما فکر می کنم که او تا قبل از این هیچ گاه کشتی نساخته بود ولی مجبور بود که از خداوند اطاعت کند.

برخی مواقع اطاعت کردن از خداوند سخت است زیرا ما آن فرمان را درک نمی کنیم. برای ساختن آن کشتی 100 سال طول کشید و نوح در این مدت آسمانهای آبی را دید و هیچ نشانی از سیل نبود! یک بچه ی کوچک ممکن است خطر یک خیابان شلوغ را درک نکند اما او باید از خانواده اش اطاعت کند و از آن خیابان دوری کند. آیا تا به حال خانواده تان از شما چیزی را خواسته اند اما شما آن را درک نکرده اید؟

برخی مواقع اطاعت کردن از خداوند سخت است زیرا ما از اینکه مردم درباره یمان چه فکری می کنند، می ترسیم. آیا می توانید تصور کنید که نوح چقدر به نظر دیگران عجیب بوده است؟ اما اگر آنها می توانستند آینده را ببینند، به او کمک می کردند و از او می خواستند که آنها هم سوار کشتی شوند!

برخی مواقع ما فکر می کنیم که اطاعت کردن غیرممکن است. خداوند به نوح گفته بود که یک جفت از هر حیوان را درون کشتی بگذارد. گربه ها، از آب و هرچیز متحرکی همانند کشتی ها منتفردند و اصلا توجه نمی کنند! نوح نه تنها باید گربه ها را به کشتی می برد بلکه شیرها و گوسفندها و تمام حیوانات دیگر را باید به کشتی می برد!

نوح از خداوند اطاعت کرد و کشتی را ساخت. سپس حیوانات هم از خداوند تبعیت کرده و خودشان به کشتی آمدند! کل زمین به مدت یک سال و 10 روز در سیل فرو رفت و همه چیز از بین رفت! کتاب مقدس بیان کرده است که هر کس دستورات خداوند را اجرا کند، زندگی را حفظ می کند (ضرب المثلها 19:16). به وسیله ی اطاعت نوح، نه تنها او جان سالم به دربرد بلکه خانواده اش و تمامی



حیوانات مختلف نیز زنده ماندند. اگر شما از خداوند پیروی کنید، او می تواند دیگران را هم نجات دهد. در داستان پیش ما درباره ی پسری به اسم کیپ صحبت کردیم. وقتی او می خواست که با پسر عموهایش بیرون برود حرفهایی که خانواده اش درباره ی اینکه بیرون نرود به او گفته بودند به خاطر آورد.

خداوند قول داد که دیگر هیچگاه زمین را در سیل فرو نبرد با نشان دادن رنگین کمان به عنوان یک نشانه ای از خداوند. هر بار که شما رنگین کمان را ببینید، به قول خداوند فکر کنید و اینکه چگونه می توانید همانند نوح از خداوند اطاعت کنید.

من تصمیم میگیرم که از خداوند اطاعت کنم زیرا ارزشش را دارد.

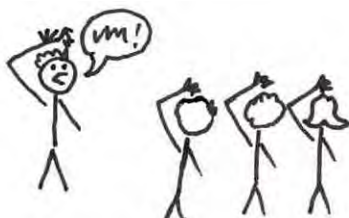
نتیجه 4

اما پیش از اینکه کیپ برود، کلمات پدرش را به یاد آورد و به پسر عموهایش گفت که با آنها نمی آید. کیپ تصمیم گرفت که از خانواده اش اطاعت کند.



فعالیت 4

گفته های نوح



بیباید یک فعالیت به است «گفته های نوح» انجام دهید که در این فعالیت بچه ها باید از نوح اطاعت کنند. (این بازی شبیه بازی «گفته های سایمون» است). نوح درمقابل شکر ت کنندگان می ایستد و به آنها فعالیتهای مختلفی را دستور می دهد. اگر نوح بگوید «نوح می گوید بالا و پایین بپرید» بچه ها هم باید انجام دهند. اما اگر او بگوید «بالا و پایین بپرید» بدون اینکه بگوید «نوح می گوید»، ابتدا بچه ها باید هیچ کاری انجام ندهند. بازیکنی که فرمان نوح را انجام ندهد و یا بدون اینکه «نوح می گوید» را بشنود حرکتی کند، رد صلاحیت می شود. بازی زمانی تمام می شود که تنها یک کودک باقی بماند و یا تمامی کودکان رد صلاحیت شوند.

فردان نوح را انجام ندهد و یا بدون اینکه «نوح می گوید» را بشنود حرکتی کند، رد صلاحیت می شود. بازی زمانی تمام می شود که تنها یک کودک باقی بماند و یا تمامی کودکان رد صلاحیت شوند.

جدول زمانی 4

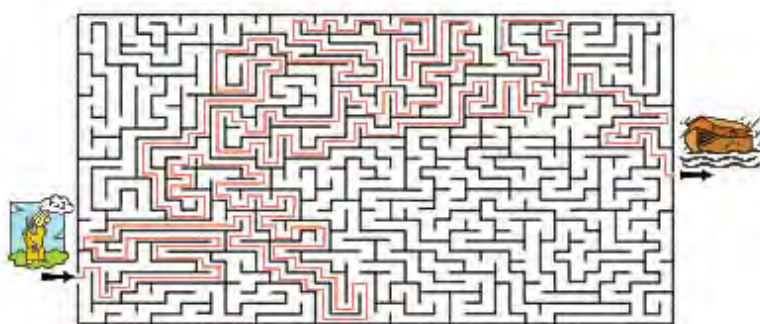
خط زندگی نوح را رسم کنید.

سوال: تولد نوح چند سال پس از تولد اینوک بوده است؟ پاسخ: 434 سال

سوال: نوح چند سال زندگی کرده است؟ پاسخ: 950 سال

جواب پازل 4

و	ک	خ	ا	م	ع	ت	ق	د	ط	گ	خ
ک	ش	ا	ن	خ	گ	ا	ر	ن	خ	خ	ا
ح	ت	ر	ن	گ	ی	ن	ک	م	ا	ن	ن
ع	ی	ک	س	ف	ق	ط	ا	ن	ن	ق	و
ق	ن	و	ح	ی	و	ع	و	ه	و	گ	ا
م	ط	ز	ا	و	ل	ا	ر	ک	ا	ع	د
ف	ر	م	ا	ن	د	ا	د	ه	ش	د	ه
ت	گ	ی	خ	ه	ا	ع	ت	ق	ه	د	ق
خ	ق	ن	ر	ط	د	ت	خ	ا	ن	و	ت
ر	خ	د	ا	و	ن	د	ا	ن	ک	خ	ن





سوالات و جوابهای 4

1. چرا همیشه خانواده ی من به من می گویند که چه کاری را باید انجام دهم؟ (زیرا آنها تو را بسیار دوست دارند و بهترین ها را برایت می خواهند. بحث کردن درباره ی اینکه والدین شما انسان اند و ممکن است اشتباه کنند نیز بسیار مفید است).
2. اگر نافرمانی از خداوند باعث معروفیت و محبوبیت من شود ، چطور؟ (درباره ی موقعیت های مختلف مرتبط با این موضوع صحبت کنید. به دانش آموزانتان کمک کنید که بدانند گاهی باید تصمیم بگیرند که خداوند را اطاعت کنند یا نه)
3. آیا پس از آن خوشحال زندگی خواهم کرد؟ (درباره ی افسانه های دوران کودکی، خوشبختی با چیزهای مادی و یک زندگی عالی بر روی زمین و آنچه هایی که انسان را شاد می کند، صحبت کنید.)

بازی 4

سوالات پادشاه و ملکه!



دو کودک را که نقش پادشاه و ملکه را بازی کنند، انتخاب کنید.

- از آنها بخواهید که درمقابل سایر بچه ها بر روی صندلی بنشینند.
- هر موقع که آنها آمده بودند، معلم ابتدا از ملکه پرسد که «شما چه می خواهید؟»
- ملکه باید درباره ی چیزی در اتاق درخواست کندف و تمامی بچه ها باید بدون تا آن وسیله را بیاورند، دخترها برای ملکه و پسرها برای شاه فرمانبرداری می کنند.
- سپس معلم از شاه می پرسد که او چه چیزی را می خواد و دانش آموزان آن وسیله را می آورند
- این بازی را برای زمان مشخصی ادامه دهید.
- گروهی که سریعتر و با احترام بیشتری رفتار می کنند و فرمانبردارتر هستند و ... برنده ی بازی اند.

حضور 4

کارت امروز را به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس بدهید و به آنها تبریک بگویید و آنها تشویق کنید که برای گرفتن کارت بعدی، در کلاس هفته ی آینده حضور داشته باشند. تا بتوانند در بازی قهرمانان، شرکت کنند.
کارت امروز:
نوح



نوح: ۱۰
بوسه: ۵
تکلیف: ۱۰

تکلیف خانه 4

تکلیف





تکلیف این هفته ی شما، نوشتن درباره ی یک یا چند باری است که وسوسه شدید کاری را که خداوند دوست ندارد شما انجام دهید، ا انجام دهید اما پس از آن پشیمان شدید و آن کار را انجام ندادید.

بخوانید

- روز 1: کتاب پیدایش 6-1:15
- روز 2: کتاب پیدایش 21-7:15
- روز 3: کتاب پیدایش 6-1:21
- روز 1: کتاب پیدایش 10-1:22
- روز 1: کتاب پیدایش 19-11:22



5. قبول شدن در آزمون



قهرمان: ابراهیم

11:8-19, 12:1-7, 15:1-6, 21:1-3, 22:1-19 کتاب پیدایش

حفظ آیه 5
جیمز 1:12 «خوشبخت آن کسی است که تحت آزمایش قرار میگیرد، از آزمایش سربلند بیرون می آید، این فرد تاج زندگی را دریافت می کند، همان تاجی که خداوند به کسانی که دوستش دارند وعده داده است.»



شرح نیاز 5

این یک امتحان بسیار بسیار مهمی بود. همه باید برای این امتحان آماده باشند زیرا آنها از نتایج آزمون برای انتخاب کسانی که به المپیک می روند، استفاده می کنند. برای همین پاپی تمام وقتش را برای درس خواندن گذاشت و برای بازی به بیرون نرفت. او می خواست که رتبه ی اول را بدست آورد. روز موعود فرا رسید. همه در صندلیهایشان با مدادهای تراشیده و تیزشان آماده بودند. معلم آمد و به آنها برگه های امتحان را داد. این امتحان برای پاپی شوکه کننده بود زیرا او در موضوع متفاوتی از امتحان درس خوانده بود.

درس اصلی 5

بیایید درباره ی مردی که پدر ایمان ما است یاد بگیریم. روزی خداوند از ابراهیم خواست که شهر پدریش را رها کند و به دنبال خداوند برود و ابراهیم از او اطاعت کرد. ابراهیم و همسرش قادر نبودند که بچه دار شوند. در یکی از مهمترین لحظات زندگی او، خداوند به او وعده داد که حتی اگر پیر شود، یک فرزند به او می دهد. علاوه بر این فرزندان او به یک ملت بزرگ تبدیل می شوند و تمام جهان به وسیله ی آنها خوشبخت می شوند! ابراهیم به خداوند ایمان آورد و خداوند آن را عدالت نامید.

سالها بعد، ابراهیم و سارا پسری به نام اسحاق بدنیا آوردند. سالها پس از آن، خداوند از ابراهیم خواست که پسرش را قربانی کند، همان پسر کوچک گرانقدرش را که او را خیلی دوست داشت و خداوند به او وعده اش را داده بود! خداوند می خواست اسحاق را نجات دهد اما به ابراهیم درباره اش چیزی نگفته بود. خداوند منتظر نشست تا ببیند ابراهیم چقدر پسرش را دوست دارد.

گاهی مواقع خداوند برای زندگیمان برنامه های بزرگی دارد اما پیش از آنکه به واقعیت تبدیل شوند، به یک امتحان تبدیل می شوند. خداوند فقط می خواست ببیند ابراهیم چقدر او را دوست دارد. خداوند امروز از شما چه چیزی خواسته است؟ گاهی مواقع، یک کار اشتباه است مثل یک عادت بد که شما باید آن را تغییر دهید مثل یک دوست بد، دروغ گفتن، دزدیدن، یا انجام یکسری کارها برای مادرتان. این کارها همواره بد نیستند. پسر ابراهیم، اسحاق، پسر بدی نبود. گاهی مواقع چیز خوبی است که با عشق شما نسبت به خداوند رقابت می کند. برای برخی از آدمها، خداوند از آنها می خواهد که دست از تحصیلات عالی بکشند زیرا آنها به دنبال یک سمت مهم هستند و با از برخی می خواهد که تحصیلات عالی را ادامه دهند وقتی که آنها نمی خواهد که این کار را انجام دهند. و یا حتی می تواند یک ابزار موسیقی، کسی که دوست دارید و یا حتی یک انیمیشن مورد علاقه تان باشد. بسیاری از مسیحیان تمایلی به دست کشیدن از چیزهایشان ندارند و آنها در ایمان خود گیر می کنند و هیچ گاه رشد نمی کنند. مثل پاپی که درباره ی موضوع متفاوتی از امتحان درس خوانده بود. وقتی آن لحظه فرا می رسد که بین خداوند و چیز دیگری انتخاب کنید، کدام را انتخاب می کنید؟

ابراهیم تصمیم گرفت در این کار فوق العاده سخت از خداوند فرمانبرداری کند. او با اسحاق به بالای کوه رفت، دست های او را بست و او را بر قربانگاه گذاشت. در همان حال که ابراهیم می خواست اسحاق را با چاقو بکشد، خداوند او را از این کار متوقف کرد! خداوند به او یک گوسفند در دام افتاده را در نزدیکی بوته نشان داد و به او پیشنهاد داد که او را بکشد. اما کاملا واضح است که ابراهیم خداوند را از هر چیز دیگری در جهان بیشتر دوست داشت.



خداوند نیز مثل همین کار را زمانی که پسرش عیسی مسیح را فرستاده بود تا بمیرد، انجام داد. عیسی گفته است که در هر موردی ما باید کاری را که از دیگران انتظار داریم برایشان انجام دهند را برایشان انجام دهیم (متیو 7:12) بنابراین او به کلمات خودش عمل کرد وقتی که جانش را به ما بخشید. خداوند هرآنچه را که او داشت به ما داد و از ما خواست که همانند او باشیم.

من خداوند را بیشتر از هرچیزی از کل جهان دوست دارم و هر آنچه را که از من بخواهد به او می‌دهم.



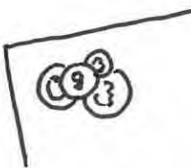
نتیجه 5

او وقتی که داشت جواب سوالات امتحان را می‌داد بسیار مضطرب بود. وقتی همه امتحان را تمام کردند، معلم ورقه‌ها را تصحیح کرد و جواب را به آنها داد. همه قبول شده بودند. همه به جز پاپی. وقتی فهمید که تمام همکلاسی‌هایش داشتند مسخره اش می‌کردند، پاپی خیلی ناراحت شد.

فعالیت 5

امتحانات پاپ

این فعالیت به منظور فهمیدن این موضوع است که دانش آموزان بیشتر خواهان چیزهای زمینی هستند و یا معنوی. به بچه‌ها بگویید که در طول کلاس سه امتحان پاپ را خواهند داشت. اما اونها درمورد زمان این امتحان نباید بدانند.



امتحان:

1. تعدادی سکه را به طوری که کاملاً واضح و برای بچه‌ها قابل دسترس باشد در کلاس پخش کنید. در طول کلاس ببینید که کسی این سکه‌ها را برمی‌دارد و یا با آن سکه‌ها بچه‌ها چه کاری می‌کنند. بچه‌ای امتحان را قبول می‌شود که سکه‌ای را بر ندارد.
 2. وسایل جالبی را برای هر کدام از بچه‌ها بیاورید به گونه‌ای که همه آنها باهم یکسان نباشند. بعضی‌ها از بعضی دیگر بهتر باشند. و به بچه‌ها بگویید که یک سری وسایل برای تک‌تک آنها آورده‌اید و از آنها بخواهید که به صف باییند و این وسایل را بگیرند. بچه‌ای برنده‌ی امتحان است که بهترین وسیله را انتخاب نکند.
 3. به آنها فرصتی برای خدمتگزاری بدهید. از بچه‌ها بخواهید که در تمیز کردن کلاس پس از ساعت کلاس به شما کمک کنند. کودکی که بهتر تمیز کند برنده‌ی امتحان است.
- نتیجه‌گیری: بعد از اتمام سه امتحان، به بچه‌ها بگویید که امتحان‌ها چه بوده‌اند و کدامشان از آن سربلند بیرون آمده است و علتش را برایش توضیح دهید.

جدول زمانی 5

خط زندگی ابراهیم را رسم کنید.

سوال: وقتی ابراهیم به دنیا آمد، نوح چند ساله بود؟ پاسخ: 890 سال.

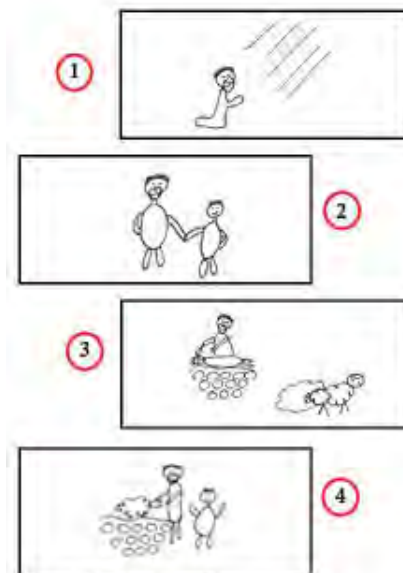
سوال: ابراهیم چند سال زندگی کرد؟ پاسخ: 175 سال.





جواب پازل 5

س	ا	ط	ی	ش	ا	ع	ا	ت	ج	ش	آ
ز	م	ل	س	م	خ	ه	د	ل	ک	خ	ز
ن	ت	س	ن	د	ا	و	س	ی	ع	م	ی
د	ح	ن	ض	آ	د	ک	د	ت	ح	ط	و
ا	م	د	د	ه	د	خ	د	ت	ی	ن	ت
ی	ع	آ	ن	و	ر	ج	و	ح	س	خ	س
م	ک	ر	د	ک	ر	ع	ا	ل	ط	ا	م
س	ر	د	ا	ر	ط	ب	ض	ا	ن	س	ه
ض	د	و	ن	د	ا	و	ن	د	ض	ح	ض
ی	ن	ط	آ	م	و	ی	و	ع	م	و	ک
ح	ل	ل	ه	ع	ا	ل	ک	ل	ه	آ	ی



سوالات و جوابهای 5

1. اگر کسی جای شما را در موضوع مهمی می گرفت به خاطر اینکه از شما بهتر بود، چه کاری انجام می دادید؟ (درباره ی اینکه چگونه می توانید از خداوند کمک بگیرید تا زمین خورید و یا آن فرد را ببخشید، بحث کنید. علاوه بر این درباره ی اینکه چگونه می تواند سخت تر از پیش درس بخوانید و یا کار کنید صحبت کنید.)
2. آخرین امتحان خداوند از شما چه بوده است؟ (چه بچه ها بزرگ یا کوچک باشند، ممکن است احساس کرده باشند که خداوند به آنها کمک کرده و یا از آنها امتحان گرفته باشد. به عنوان مثال، در زندگی کریستینا، نویسنده ی این برنامه ی درسی: من امتحان های کوچکی را وقتی که جوان بودم، یادم می آید. یکبار به خداوند قول دادم که به هیچ مراسم رقصی نخواهم رفت. فکر می کردم اینکار بسیار آسان است، اما یکبار کلیسای ما مراسم رقصی را برگزار کرده بود! چه سوپرایزی! برایم نگه داشتن این قو و نرفتن به یک رویداد مسیحی بسیار سخت بود.)
3. چگونه می توانیم که زندگی معنوی خودمان را ارتقا دهیم؟ (در اینجا باید بسیار مراقب باشیم که به دانش آموزانمان به عنوان فریسی ها آموزش ندهیم، که فقط کارهای مذهبی انجام دهند تا دیگران بتوانند ببینند. به آنها نشان دهید که مذهبی بودن با پیرو عیسی بودن از صمیم قلب، متفاوت است. آیا شما فقط اینکار را انجام می دهید که مردم ببینند؟ آیا من اینکار را می کنم زیرا حس می کنم که خداوند می خواهد من اینکار را انجام دهم و یا حتی اگر هیچ کس دیگری آن را نبیند؟)





بازی 5

اشیا را حدس بزنید



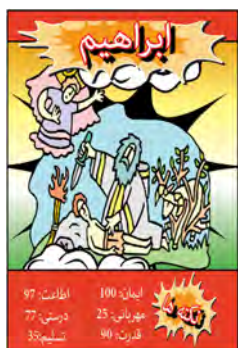
اشیا متفاوتی را جمع آوری کنید (گل، خودکار، دکمه، توپ، کمان، گوشواره و ...). اجازه ندهید که بچه ها این اشیا را ببینند.

- چشمان بچه ها را ببندید و از آنها بخواهید که هرکدام از اشیا را بو کنند و یا آن را لمس کنند و غیره.
- شما می توانید بچه ها را گروه بندی کنید و اشیا را درون یک کیسه بریزید و به هر گروه یک کیسه بدهید، به بچه اجازه بدهید که این اشیا را لمس کنند و تا حد ممکن حدس بزنند که آن شی چیست

حضور 5

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

ابراهیم



تکلیف خانه 5

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما نوشتن درباره ی رویاهایتان است، چیزهایی که شما امیدوارید در زندگیتان انجام دهید. از رویاهای بزرگ نترسید. آنها می توانند برایتان فوق العاده باشند، همانند یک فضاورد بودن، یک شناگر بودن، یک سرباز بودن، یک دکتر بودن، یک صاحب کسب و کار بودن. بزرگ رویا پردازی کنید- خداوند شما بزرگ است. سپس از خداوند بپرسید که آیا باید از این رویاها برای او دست بکشید، با معلمات هم در این باره صحبت کنید.

بخوانید

روز 1: کتاب پیدایش 26-19:25

روز 2: کتاب پیدایش 34-27:25

روز 3: کتاب پیدایش 17-1:27

روز 4: کتاب پیدایش 29-18:27

روز 5: کتاب پیدایش 45-30:27



6. ارزش نهادن به بعد معنوی



قهرمان: اسحاق

کتاب پیدایش 25:19-34, 27:1-40 کتاب عبرانیان 11:20 ,



حفظ آیه 6

مارک 8:36: « اینکه کسی تمام جهان را بدست آورد اما در عوض روحش را از

دست بدهد، به چه میزان خوب است؟»

شرح نیاز 6

صبح خیلی زود بود که مادر بوز از او خواست که به خانه ی مادر بزرگش برود و از او یک لیوان شکر بگیرد. او بلند شد و به خانه ی مادر بزرگش رفت. اولین چیزی که بر روی میز دید یک سکه بود. او فریاد زد: «مادر بزرگ، مادر بزرگ» ولی او جواب نداد. بوز فکر کرد که هیچکسی مرا نمی بین و اگر من این سکه را بردارم بدون اینکه کسی مرا مسخره کند می توانم یک آبنبات بخرم. پس آن را بر می دارم و هیچ کس چیزی نمی فهمد. پس از چند دقیقه مادر بزرگش آمد و به او یک لیوان شکر داد.

درس اصلی 6

هفته پیش یاد گرفتیم که امتحان را قبول شویم. امروز می خواهیم یاد بگیریم که برای چیزهای معنوی بیشتر از چیزهای مادی ارزش قائل شویم.



پسر ابراهیم، اسحاق بزرگ شد و خانواده ی خودش را داشت. به جای اینکه زنی را برای خودش انتخاب کند، به پدرش اجازه داد که او برایش همسری انتخاب کند (کتاب پیدایش 24). اسحاق و همسرش ربکا، دوقلوای به نام های اساو و یعقوب داشتند.

یک روز اساو پس از شکار به خانه برگشت و تا حد مرگ گرسنه بود! او آرزوی خیلی بدی کرد و گفت همه چیزش را حاضرست برایش فدا کند! چگونه می توانید خواستار چیز بدی باشید و همه ی آنچه را که دارید فدایش کنید؟ یعسوب تصمیم گرفت که اساو را فریب دهد. او به اسای گفت کعبه او مقداری غذا می دهد اما در عوض حق تولدش را از او می گیرد و اساو قبول کرد! کل زندگیش را برای کاسه ای سوپ فدا کرد!!

در آن روز ها پدرها روز پیش از مرگشان، پسرهایش را تبرک می کردند. اسحاق پیر شده بود و بینایی اش را از دست داده بود و تصمیم گرفته بود که اساو را متبرک کند. اما یعقوب به نصیحت مادرش گوش داد، همانند اساو لباس پوشید و فریبکارانه مورد تبرک قرار گرفت! اساو فکر می کرد که یک کاسه سوپ هیچ تفاوتی را ایجاد نمی کند، و وقتی که حق تولدش را پس می خوست، نتوانست از یعقوب بگیرد! او آن حق را برای همیشه از دست داده بود!

اسحاق به چیزهای معنوی ارزش بیشتری قائل بود. او به عهد خداوند باور داشت که پسرانش زمین را تصرف خواهند کرد و او یعقوب را با آن عهد ها تبرک داد.

خداوند دارای حق تولد، یک برنامه و برکتی برای هر یک از ما است. اما اگر ما مراقب نباشیم، با انتخابهایمان ممکن است این برنامه را معامله کنیم و از دست بدهیم! یکی از این کارها گناه کردن است.. وقتی که شما دروغ می گویید و می گویید درجه ی بالاتری از آنچه که واقعا هستید را بدست آوردید، برای مدت کوتاهی خوب به نظر می رسید اما در واقع اعتبارتان را از دست داده اید! ابتدا بوز تصمیم داشت که سکه ی مادر بزرگش را بردارد اما پاپی وارد خانه شد و آن روز را نجات داد! او بهش گفت که روح او خیلی بیشتر از یک سکه ارزش داد و بوز سکه را سرچایش گذاشت.

هرچه بزرگتر می شوید این اتفاق خطرناکتر هم می شود. بسیاری از مسیحیان براساس قیافه و یا موقعیت یک فرد با او ازدواج می کنند به جای اینکه به قلب آن فرد نگاه کنند. بنابراین وقتی می خواهند به خداوند خدمت کنند، همسرشان جلویشان را می گیرد. تصمیم



به ازدواج یک تصمیم ثابت و پایدار است! ایساو با کسی ازدواج کرد کخ اسحاق و ربکا را دیوانه کرد (کتاب پیدایش 27:46). در مقابل، اسحاق و همچنین پسرش یعقوب برای انتخاب همسر، ارزشهای معنوی برایشان مهم بوده است.

عیسی مسیح گفته است که نگرانی از زندگی و فریب از ثروت شما را از مفید بودن و دریافت حق تولدتان دور می کند (متیو 13:22). مطمئن شوید که حق تولدتان را نادیده نمی گیرید و برای چیزهای بی ارزش آن را معامله نمی کنید حتی اگر بسیار ارزوی داشتن آن را داشتید.

من برای بعدهای معنوی زندگی خیلی بیشتر از بعد های فیزیکی و جسمانی آن ارزش قائل هستم.



نتیجه 6

در آن لحظه پاپی وارد خانه شد و آن روز را نجات داد! او به بوز گفت که روح تو بیشتر از یک سکه ارزش داد! بوز فهمید که چه کاری را داشته انجام می داده است، او سکه را سریعاً برگرداند و از دوستش پاپی تشکر کرد.

فعالیت 6

رهاورد تصمیم گیری



در این فعالیت، بچه ها یک تکه ربان را به یک نقطه ی مطمئن گره می زنند و از آن برای به یاد آوردن تصمیمی مهم در طول هفته استفاده می کنند. این ربان می تواند به مجموعه ای از لباسها بسته شود. با یکدیگر دعا کنید که خداوند به آنها کمک کند تا انتخاب های معنوی ای را داشته باشند.

جدول زمانی 6

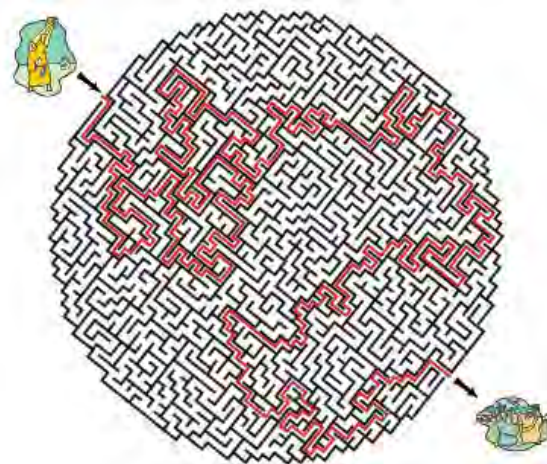
خط زندگی اسحاق را رسم کنید.

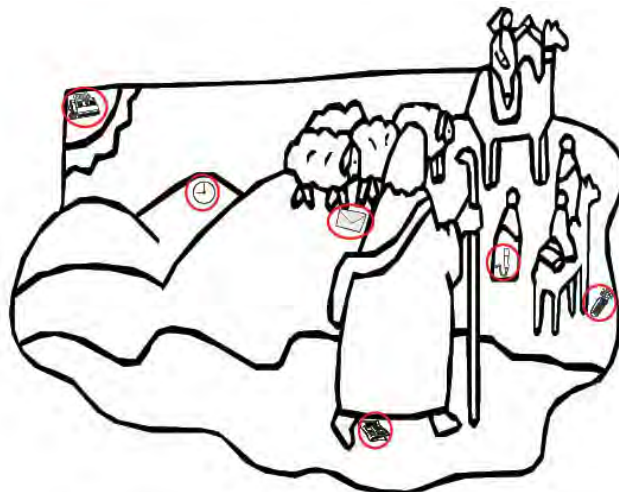
سوال: ابراهیم وقتی اسحاق بدنیا آمد چند ساله بود؟ پاسخ: 100 ساله

سوال: اسحاق چند سال زندگی کرد؟ پاسخ: 180 سال

جواب پازل 6

ص	م	ی	ع	ق	و	ب	ن	ع	ص
ا	ط	ا	ع	ت	ک	ر	د	ن	ه
ا	ن	ت	خ	ا	ب	ک	ر	د	ن
ر	ی	چ	ث	م	ر	ت	ک	م	و
ب	خ	د	ع	و	د	ر	و	خ	
ک	ر	م	ا	ن	ا	ا	ب	ع	ر
ق	ط	ا	ط	و	س	د	ص	ق	ج
ر	ث	ن	د	ن	ح	ن	ج	ن	ط
س	م	ی	و	ر	ا	ث	ا	خ	ا
م	ع	ن	و	ی	ق	ت	ک	ر	ع



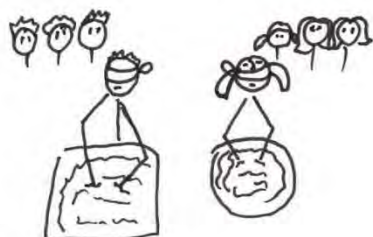


سوالات و پاسخ های 6

1. یک سری مثالهایی بزنید که نشان دهنده ی این باشد که ما به جهان معنوی بیشتر از جها فیزیکی ارزش قائل هستیم؟ (بگذارید بچه ها درباره ی ایده هایشان بحث کنند: دوستان، کار، محبوبیت، خدمت به کلیسا و ...)
2. اگر چیزی به نظرتان درست نباشد، چکار می کنید؟ (به بچه ها زمان دهید تا تجربیاتشان را بیان کنند).
3. اگر من تنها کسی باشم که در این جریان شرکت نمی کند چی؟ (به آنها این فرصت را بدهید که درباره ی اینکه چقدر می تواند انجام کار درست سخت باشد بایکدیگر صحبت کنند. درباره ی موقعیتهای خاص صحبت کنید.)

بازی 6

خوب و بد



برای بچه ها تمایز دادن بین خوب و بد سخت است. در این بازی، ما تمرین می کنیم که چیزهایی را که نشاندهنده ی ارزشهای معنوی هستند را شناسایی کنیم.

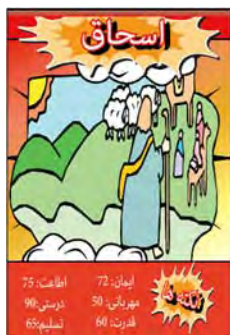
دو قوطی را تا نیمه با برنج خام پر کنید، در هر قوطی 15 سنجاق قفلی بگذارید. (مطمئن شوید که سر تمامی سنجاق ها بسته باشد). برنج را با سنجاق ها به خوبی قاطی کنید. بچه ها را به دوتیم تقسیم کرده و از هر گروه چشم یکی از بچه ها را ببندید.

وقتی معلم گفت «حرکت»، دو بچه ای که چشمهایشان بسته است باید سنجاقهای قفلی را با دستانشان پیدا کنند، بدون اینکه نگاه کنند و تا آنجایی که می توانند باید آنها را بردارند. آنها می فهمند که تشخیص سنجاق از برنج بسیار سخت است. بازی را برای چند دقیقه انجام دهید سپس تعداد سنجاقها را برای هر کودک بشمارید. گروهی که بیشترین سنجاق را برداشته است برنده است.

حضور 6

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

اسحاق



ایمان: 72	اطاعت: 75
مهربانی: 50	کرمی: 90
قدرت: 60	تعلیم: 65

تکلیف خانه 6

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما نوشتن درباره ی حق تولدتان و زندگی که می توانید در آن رشد کنید، است. ابتدا به این فکر نکنید که حق تولد خانواده تان چیز مهمی نیست. بلکه بسیار ارزش دارد. آنها ممکن است مکانیک، مهندس و یا پرستار باشند.





شما می توانید در میان همسایه هایتان و یا در میان کشورتان تمایزی ایجاد کنید. اما درباره ی حق تولد معنوی خودتان بنویسید. شما فرزند خداوند هستید و به خانواده ی او تعلق دارید. خداوند به شما آرمانها و مهارتهای مختلفی داده است و به وسیله ی آنها می تواند باعث موفقیت شما در خانواده ی معنوی بشود. شما می توانید این را به معلمان نشان دهید اما ضرورتی در این کار نیست. قلب شما برای خداوند بسیار ارزشمند است.

بخوانید

روز 1: کتاب پیدایش 10:28-15

روز 2: کتاب پیدایش 16:28-22

روز 3: کتاب پیدایش 1:32-8

روز 4: کتاب پیدایش 22:32-27

روز 5: کتاب پیدایش 28:32-32



7. برکت خداوند



قهرمان: یعقوب

کتاب پیدایش -32:22، 32:9-12، 31:22-24، 31:3-13، 28:20-22، 28:10-15، 27:41-28:2، 35:1-5، 33:1-11، 30، کتاب عبرانیان 11:21

حفظ آیه 7

لوقا 11:28 «خوشا به حال کسانی که کلمات خداوند را می شنوند و از آن اطاعت می کنند.»

شرح نیاز 7



کامت دوستی داشت که همیشه او را به مهمانی ها دعوت می کرد، اما یک روز دید که بچه ها در این مهمانی ها رفتارهای بدی داشتند. او در این مهمانی ها احساس خوبی نداشت. اون می دانست که خداوند از اینکه بچه ها رفتارهای بدی داشته باشند راضی نیست. یک روز تعطیل دوستش او را به مهمانی دیگری دعوت کرد و گفت که این بهترین مهمانی است. کامت واقعا دوست داشت که به این مهمانی برود اما گفت «نه». وقتی دوستش این را شنید، گفت «اگر با من نیایی، باهات دیگر صحبت نخواهم کرد. تو بهترین دوستت را از دست خواهی داد» این حرف کامیت را خیلی ناراحت کرد. اون نمی دانست که باید چکاری انجام دهد. ولی میدانست که رفتن به مهمانی اشتباه است، اما از طرفی نمی خواست که دوستش را از دست دهد.

درس اصلی 7

در زندگی ما باید جنگیدن برای چیزهای مادی (فیزیکی) و یا برکت خداوند (معنوی) را انتخاب کنیم. یعقوب پس از اینکه حق تولد ایساو را گرفت فرار کرد، زیرا فکر می کرد که ایساو او را خواهد کشت (فیزیکی)، اما او با اطاعت کردن از خانواده اش همچنان به دنبال تبرک خداوند بود (معنوی). کتاب مقدس بیان کرده است که تنها مالکیت او وسایلش است (فیزیکی). وقتی که خواب بود، خواب دید که فرشتگان از پله های بهشت بالا و پایین می رفتند، و خداوند به او قول داد (معنوی) که فرزندان زیادی به او بدهد که زمین را تصرف کنند. یعقوب از خداوند خواست که با او باشد (معنوی) از هر فرزندی بهتر است.

یعقوب خانواده اش را دید، ازدواج کرده و بچه دار شد و برای عمویش لبان به مدت 21 سال کار کرد! عمویش به او بارها و بارها خیانت کرد (فیزیکی). اما خداوند با یعقوب همراه بود و او را با خانواده ای بزرگ (معنوی) و ثروت تبرک بخشید (فیزیکی). حتی لبان هم به خاطر یعقوب مورد تبرک قرار گرفت! (کتاب پیدایش 30:27) برخی مواقع خداوند به افراد که درکنارمان هستند هم تبرک می بخشد. اما وقتی که یعقوب ناراحت بود و از دست بلان فرار می کرد (فیزیکی) خداوند با لبان صحبت کرد و از یعقوب محافظت کرد (معنوی).

یعقوب برای برگشت به خانه وحشت زده شد! اگر ایساو هنوز می خواست او را بکشد چه می شد؟ او خانواده و تمام وسایلش را به گروه هایی تقسیم کرد بنابراین اگر یک گروه مورد حمله قرار گرفت، گروه های دیگر بتوانند فرار کنند (فیزیکی). در طول شب، او با خداوند برای گرفتن برکتش مبارزه کرد (معنوی).

یعقوب متعجب شد زیرا اساو دوید و او را محکم بغل کرد! و یعقوب هم ایساو را بغل کرد. وقتی ما برای برکت خداوند بیشتر از برکتهای مادی ارزش قائل شویم، می توانید به جای اینکه از مردم بترسیم با آنها سخاوتمند باشیم.

سپس خداوند به یعقوب و خانواده اش گفت که از شر تمامی دیگر خدایان خلاص شود، پس آنها تمام بت ها و حلقه های طلایشان را دفن کردند (فیزیکی). وقتی آنها اینکار را کردند، تمام کسانی که ممکن بود بخوانند به آنها آسیبی بزنند، ترسیدند! (معنوی) یعقوب گفت «خداوند ... هرکجا که من رفته ام، با من بوده است» (کتاب پیدایش 35:3)



درست مثل یعقوب، ما هم در جهانی با ابعاد فیزیکی و ابعاد معنوی زندگی می کنیم. کل جهان برای موقعیت عالی، اسباب بازی بهتر، چهره ی بهتر، محبوبیت و مهارت های بیشتر باهم در جنگند. حتی مسیحیان هم می توانند به کلیسا بروند و ادعا کنند که کتاب مقدس را قبول دارند اما زندگیشان را صرف جنگیدن برای چیزهای مادی می کند، حتی عیسی گفته است که شما نمی تواند همزمان هم به خداوند و هم به مال و اموال خدمت کنید (لوقا 16:13).

جنگیدن برای نعمتهای معنوی خداوند بسیار باارزش تر است. ما می توانیم بجنگیم که به خداوند نزدیکتر شویم، به خداوند خدمت کنیم، به کلیسا خدمت کنیم و درباره ی او به دیگران بگوییم. ما می توانیم بجنگیم تا قلبهایمان را کاملا برای خداوند بکشاییم و از او هیچ چیزی را پنهان نکنیم. ما می توانیم بجنگیم تا دیگران را در برابر خودمان قرار داده و آنچه که خداوند را خشنود می کند، انجام دهیم. عیسی گفت که کسانی که کلمات خداوند را می شنوند و از آن پیروی می کنند مورد برکت قرار می گیرند (لوقا 11:28). درست مثل زندگی یعقوب، برخی مواقع برکت خداوند شامل چیزهای مادی می شود، اما عموما این برکات شامل چیزهایی مثل محافظت یا تغییر کردن قلب آدمی می شوند. کامت، با نرفتن به آن مهمانی ها می تواند برای برکت خداوند بجنگد.

من انتخاب می کنیم که برای نعمتهای معنوی به جای نعمتهای مادی بجنگم.

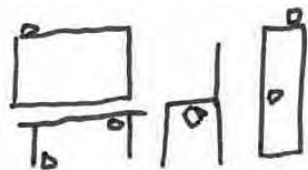


نتیجه 7

کامت خیلی ناراحت بود برای همین وقتی تافی پیش او آمد و پرسید «چه اتفاقی افتاده؟»، بهش توضیح داد. سپس تافی به او گفت که احساس بدی نداشته باشد، خوشنود کردن خداوند بهترین انتخاب است. خداوند بیشتر از هر کس دیگری دوستانی دارد. برای از دست دادن یک دوست به خاطر نرفتن به مهمانی، نگران نباش. تافی پشت کامت را نوازش کرد و رفت. کامت فهمید و تصمیم گرفت که خداوند را خشنود کرده و به آن مهمانی نرود.

فعالیت 7

مبارزه برای نعمت گرفتن



بر روی یک پوست «مبارزه برای نعمت گرفتن» را بنویسید. تعداد از نعمتها را بر روی تکه کاغذ کوچکی بنویسید. این نعمتها را در کلاس پخش کنید به طوری که زیر وسایل دیگر پنهان شده بودند. بچه ها باید برای پیدا کردن این نعمتها با هم مبارزه کنند و پس از پیدا کردن باید بر روی پوستر «مبارزه برای نعمت گرفتن» آنها را بچسبانند. هنگامی که زمان تعیین شده به پایان رسید، از بچه ها بخواهید که در مقابل پوستر بیایستند و نعمتها را با صدای بلند بخوانند. از آنها بخواهید که اگر هر کدام از این نعمتها را تا به حال دریافت کرده اید دستتان را بلند کنید.

جدول زمانی 7

خط زندگی یعقوب را رسم کنید.

سوال: هنگامی که یعقوب بدنیا آمد، اسحاق چند ساله بود؟ پاسخ: 60 ساله

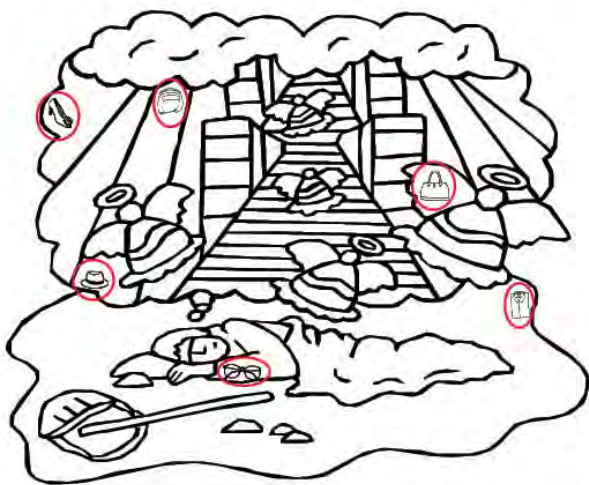
سوال: یعقوب چند سال زندگی کرد؟ پاسخ: 147 سال.





جواب پازل 7

م	ق	ب	ب	ب	ت	م	ا
ا	ب	ا	س	ر	ا	ئ	ی
پ	ب	ا	ف	ر	ا	و	ع
س	ر	ی	ر	ل	ر	د	ا
ن	ک	ل	س	ش	ز	ک	پ
د	ک	د	ا	ت	ن	ه	ع
ه	ن	ر	و	ی	ب	د	ک
ن	ع	خ	د	ا	و	ن	د
پ	ا	د	ا	ن	ا	ر	ا
ه	ن	د	س	ا	ن	ا	د



سوالات و جوابها 7

1. به نظرتان خواستن بهترین چیزها برای خودمان کار اشتباهی است؟ (درباره ی این موضوع صحبت کنید. برای یعقوب مبارزه با خداوند برای گرفتن بهترین چیزها، خوب بوده است. با این حال بهتر است دیگران را ابتدا ارجح بدانیم، ما باید مراقب روحمان باشیم و خواهان بهترین نعمتها برای زندگیمان باشیم!)
2. چه چیزی از همه مهم تر است، آیا مهم است که دیگران مرا دوست بدانند؟ (بگذارید درباره ی دوست داشتن همسایگانشان صحبت کنند، اما باید بدانند که خداوند را همیشه باید در اولویت قرار دهند. کتاب مقدس بیان می کند که تا حد ممکن ما باید با دیگران در صلح و آرامش زندگی کنیم (رومیان 12:18)، اما ما بدون در نظر گرفتن اینکه بقیه مردم چه فکری می کنند باید پیرو خداود باشیم (یوحنا 21:22). در باره ی شرایط خاص صحبت کنید.)
3. اگر اشتباه کنم ممکن است که برکت خداوند را از دست بدهم؟ (درس هفته پیش را به یاد می آورید؟ ایساو همه چیزش را از دست داد زیرا ارزشهایش اشتباه بود. یعقوب برکتهای بیشتری را دریافت کرد زیرا او برای آنها جنگید!).





بازی 7

جنگ بطری

یک ماسه ی کوچک را درون یک شیشه بطری خالی بیاندازید تا به مقدار به وزن آن اضافه کند.



- یک پایه انتخاب کنید.
- یک بچه را به عنوان یک جستجوکننده انتخاب کنید.
- جستجوکننده باید بطری را تا دورترین حد ممکن پرتاپ کند.
- همه ی بچه ها باید برخلاف مسیر بطری فرار کنند و جایی پنهان بشوند. آنها باید پیش از اینکه جستجوکننده به بطری برسد و آن را بردارد پنهان شده باشند.
- پس از برگرداندن بطری به پایه ی اولیه، جستجوکننده باید به دنبال یکی از بچه هایی که پنهان شده اند باشد تا بتواند او را بگیرد.
- وقتی او کسی را پیدا کرد، اونها باید به سمت پایه بدونند. جستجوکننده بطری را برداشته و به پایه می زند و برای مثال می گوید «1,2,3»، لوسی پشت درخت»، سپس جستجو کننده می رود تا فرد دیگری را پیدا کند.
- هر یک از بچه هایی که پنهان شده اند می توانند بقیه را به این شیوه نجات دهند: بدون اینکه جستجو کننده او را بگیرد، تونی باید به سمت پایه دویده و بطری را گرفته و به زمین بزند و بگوید «1,2,3»، برای من و همه ی دوستانم». در این حالت جستجو کننده می بازد و تونی و دوستانش برنده می شوند.
- اگر هیچ کس نجات پیدا نکند و جستجو کننده تمامی بازیکنان را پیدا کند، او برنده خواهد بود.
- برای بازی مجدد، اولین کسی که در بازی پیش پیدا شده است، اینبار جستجوکننده خواهد بود.

حضور 7

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

یعقوب



ایمان: 75	اطاعت: 80
مهربانی: 70	دوستی: 15
قدرت: 85	خشم: 60

تکالیف خانه 7

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما، به یاد داشتن تمام آنچه هایی است که دو هفته ی پیش به آن فکر کرده و نوشته بوده اید مثل رویاها و حق تولدتان. دوباره به آنها فکر کنید و به این فکر کنید که چگونه می توانید با انجام کار دیگری، آنها را از بین ببرید. اگر شما در خانه سرکش هستید، اینکار قطعا بر حق تولد طبیعی شما اثرگذار است. اگر شما رویای دکتر یا مهندس شدن را در سر دارید، می توانید این رویا را با خوب درس خواندن در مدرسه از بین ببرید. اگر شما رویای سلامتی را دارید، می توانید با سیگار کشیدن، قرص و الکل خوردن آن را از میان ببرید. درباره ی اینکه چگونه باید زندگی کنید تا به رویاها حق تولدتان دست یابید، بنویسید.

بخوانید

روز 1: کتاب پیدایش 1:37-11

روز 2: کتاب پیدایش 12:37-24

روز 3: کتاب پیدایش 25:37-36

روز 4: کتاب پیدایش 1:41-13

روز 5: کتاب پیدایش 25:41-41



8. اعتماد به خداوند



قهرمان: یوسف

کتاب پیدایش 11:37:2، 36-37:17، 41:13-39:1، 16-41:14، 40-41:28، 42:5-41:56، 45:1-15، 47:5، کتاب عبرانیان 11:22

حفظ آیه 8

گالاتیان 6:9 «بیایید در انجام کارهای خوب، خسته نشویم، اگر از این کار دست نکشیم، در زمانی مناسب محصولمان را برداشت خواهیم کرد.»



شرح نیاز 8



پای در مدرسه بود و در کنار دوستش زیب نشسته بود. آنها عاشق مدرسه رفتن بودند. امروز صبح معلم از آنها خواسته بود که یک داستان بنویسند. پای انجام این کار را دوست داشت برای همین سریعاً این کار را انجام داد. اون اولین کسی بود که این کار را تمام کرد و سریعاً گفت، «معلم، من تمام کردم» و فکر می‌کنید که پس از آن چه اتفاقی افتاد؟ معلم به او بی‌اعتنایی کرد و جواب نداد. 10 دقیقه بعد زیب هم تمام کرد و گفت «معلم، کار من هم تمام شده است» معلم سریعاً آمد و گفت «زیب، داستان تو برای خواندن بسیار جالب است». پای عصبانی شد و گفت «تا وقتی که معلم به کارهای من توجهی نکند، من دیگر هرکاری که بگویم را انجام نمی‌دهم. پس اون دیگر نخواهد فهمید که من چه کارهایی می‌کنم»

درس اصلی 8

یعقوب که در رس پیش درباره ی او خواندیم، 12 پسر داشت. پسر مورد علاقه ی یعقوب یوسف بود که به او یک کت خیلی مجلل داده بود. درحالی که یوسف خیال فرمانروایی بر همه را داشت؛ برادرانش از او متنفر بوده و تصمیم به کشتنش گرفتند! اما به جای آن او را به عنوان برده فروختند. برخی مواقع مسیحی‌ها تصور می‌کنند که خداوند ما را از هر اتفاق بدی دور نگه می‌دارد. اما خداوند از زمانها سختی برای آماده سازی ما برای برنامه ای که بر ایمان ریخته است، استفاده می‌کند، بنابراین می‌توانیم به او اعتماد کنیم.

یوسف را به فردی به نام پاتیفار فروختند که مسئول ارشد نگهبانان مصر بود. یوسف به جای اینکه ناراحت و افسرده شود، به خداوند اعتماد کرد و تمام تلاشش را انجام داد و مسئول تمام خانه ی پاتیفار شد! همسر پاتیفار از یوسف خوشش می‌آمد و می‌خواست با او بخوابد. یوسف از خداوند می‌ترسید و نمی‌خواست هیچ کار اشتباهی انجام دهد. اگر هرگاه فردی سعی بر وسوسه کردن شما داشت، کار یوسف را انجام دهید: حتی اگر در یک اتاق با آن فرد بودید، درخواست او را رد کنید. اگرچه یوسف مرتکب هیچ اشتباهی نشده بود، او یوسف را به دروغ متهم کرد و او را ناعدالانه به زندان انداخت!

یوسف به خداوند اعتماد کرد و خدا به او برکت داد و او توانست از زندان فرار کند! نانوا و ساقی فرعون به زندان رفتند و یک شب خوابی را دیدند. یوسف باور داشت که خداوند به او قدرت تعبیر این رویاها را می‌دهد. نانوا مرد و ساقی به موقعیت قبلیش برگشت همانطور که یوسف پیش بینی کرده بود. اما آن ساقی، یوسف را فراموش کرد! دوباره ناعدالتی!

دو سال بعد، فرعون خوابی دید و ساقی، یوسف را به یاد آورد. یوسف در مقابل فرعون به خداوند اعتماد کرد. تعبیر رویا این بود که 7 سال فراوانی محصول خواهد بود و سپس به مدت 7 سال قحطی و حشتناکی پیش خواهد آمد. فرعون یوسف را پس از 13 سال برده داری و زندان، نخست وزیر مصر کرد! خداوند به یوسف آموزش داد که از کشور فرار کند تا این کار را نه تنها برای نجات خودش بلکه برای نجات همه انجام دهد.

قحطی آنقدر بد بود که همه جا گرسنه بودند حتی خانواده ی یوسف. همان برادرانی که یوسف را به بردگی فروخته بودند، به یوسف نیاز داشتند که به او مقداری آذوقه بدهد. آنها یوسف را نشناختند، پس یوسف سعی کرد آنها را امتحان کند تا ببیند تغییر کرده اند و یا نه. سپس یوسف برادرانش را بخشید و به آنها بهترین زمین کشور را داد. هنگامی که ما به خداوند اعتماد می‌کنیم، می‌توانیم دیگران را ببخشیم و با آنها با مهربانی رفتار کنیم.



یوسف هم همانند عیسی با او ناعادلانه برخورد شده بود. او هم به دروغ متهم شده بود درحالی که هیچ اشتباهی نکرده بود. سپس عیسی بر روی صلیب کشته شد! او هم مثل یوسف، تمام مدت به خداوند اعتماد داشت. یوسف نخست وزیر شد اما عیسی پادشاه کل جهان شد! خداوند از ما خواسته است که در مواقع سختی به او اعتماد کنیم و وعده داده است که همواره همراه ما باشد. کتاب مقدس می گوید، همواره خداوند برای خوبی کسانی که دوستش دارند تلاش می کند (رومیان 8:28). آیا به خداوند اجازه می دهید که در موقع سختی شما را بر آنچه که در ذهنش در نظر دارد، آماده کند؟

من تصمیم می گیرم که در زندگیم به خداوند اعتماد کنم حتی در زمانهای سخت و دشوار.

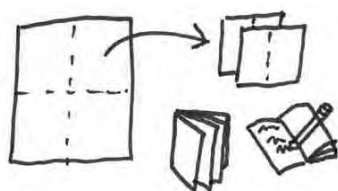
نتیجه 8



سپس دوستش باز دریافت که چه اتفاقی برای پاپی افتاده است. او باهانش صحبت کرد و او را متقاعد کرد که اطاعت کردن ویژگی است که مسیحیان باید هر روز داشته باشند. ممکن است که معلمش صدای او را نشنیده باشد و به همین علت وقتی پاپی کارش را تمام کرده است، جواب او را نداده. پاپی دریافت که نگرش او درست نبوده و او همچنان با معلمش به خوبی درسش را ادامه داد.

فعالیت 8

مجله ی اعتماد



بچه ها باید یک مجله ای را دست کنند و در آن بنویسند که چگونه باید در طول هفته به خداوند اعتماد کنیم. به هر یک از بچه ها دو چهارم یک برگه کاغذ را بدهید. بچه ها باید این قطعات را کنار هم بگذارند، تا کنند و از وسط منگنه کنند تا یک کتابچه را درست کنند. سپس باید جلد آن را تزئین کنند. این هفته در این مجله بنویسید که چگونه آنها می توانند به خداوند اعتماد کنند. به آنها کمک کنید که روز اول اعتماد به خداوند را در کلاس عملی کنند.

جدول زمانی 8

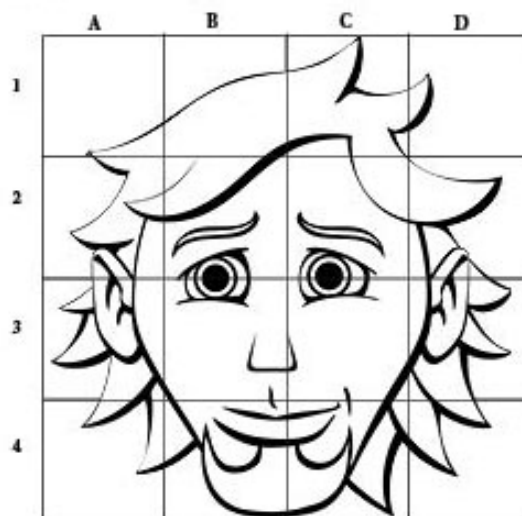
خط زندگی جوزف را رسم کنید.

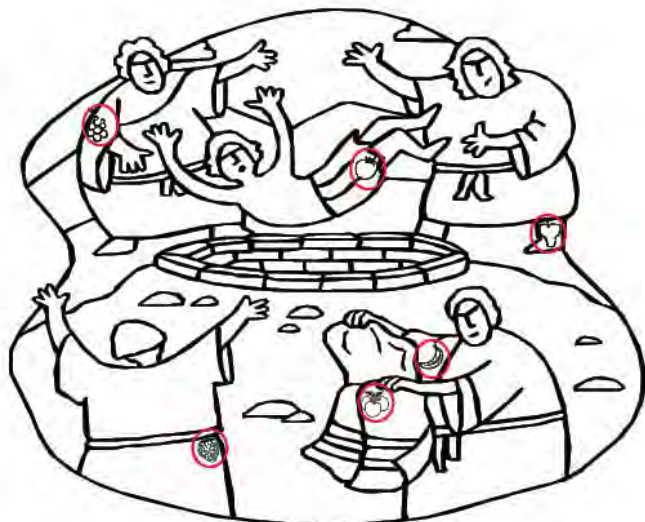
سوال: یعقوب وقتی جوزف به دنیا آمد چند ساله بود؟ پاسخ: زمان دقیقی وجود ندارد اما به نظر می رسد که یعقوب 100 سال سن داشته است.

سوال: جوزف چند سال زندگی کرد؟ پاسخ: 110 سال.

جواب پازل 8

ر	ه	خ	ن	د	د	م	ل	ر	ج
ر	ص	م	ل	ت	ز	ف	و	ج	ف
د	ل	ب	ا	گ	خ	ی	پ	ر	ز
م	ا	ق	ا	ن	ت	و	ع	م	ر
س	گ	ر	د	ر	پ	ر	و	ر	خ
خ	ع	ل	ر	س	ن	ب	گ	ف	و
و	ر	د	ر	ج	ر	ل	د	ر	ب
پ	ا	ه	ر	د	ر	ا	ر	ب	ج
ز	ق	ا	ت	ن	ر	ت	ف	ن	ق



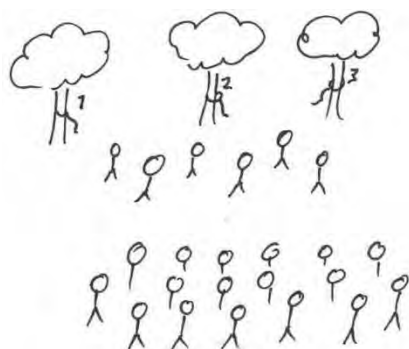


سوالات و جوابهای 8

1. آیا کارهایی وجود دارد که خداوند قادر به انجام آن نیست؟ (نه، کتاب مقدس بیان کرده است که خداوند قدرتمند است. او می تواند همه چیز را از ابتدای هستی تا آینده ببیند و درک کند)
2. چرا خداوند اجازه می دهد که اتفاقاتی بد برای ما رخ دهد؟ (در مورد یوسف، خداوند از آن اتفاق بد استفاده کرد تا او را به جایی که نیاز داشت ببرد تا او را تعلیم دهد. خداوند بیشتر به روح ما توجه می کند، بنابراین بسیاری از اتفاق های «بد» در واقع برای ما بد نیستند، بلکه خوب هستند. خوب است که بدانیم ما در جهانی زندگی می کنیم که در آن گناهان زیادی وجود دارد و خداوند به شیطان اجازه داده است که به زمین بیاید. پس در اینجا مرگ، جنگ، زمین لرزه، بیماری ها، اعمال بد مردم وجود دارد که هم بر مسیحیان و هم کافران اثر منفی می گذارد.)
3. چرا مذهب های دیگر خوب نیستند؟ (کتاب مقدس می گوید که تنها راه نجات، عیسی مسیح است. سایر ادیان می گویند باید چه کارهایی کنید تا برای خداوند مناسب باشید؟)

بازی 8

طناب

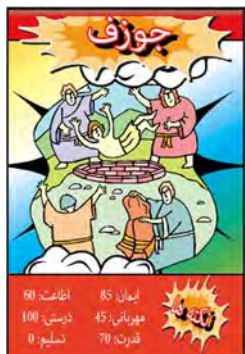


- طناب را به سه درخت مختلفی که حداقل 1 متر از هم فاصله دارند گره بزنید و بر روی آن اعداد 1، 2 و 3 را بنویسید.
- 6 نفر را به عنوان برجسب زن انتخاب کنید (متناسب با تعداد دانش آموزان در کلاس) که باید سعی کنند بر روی دیگران برجسب بزنند.
- مابقی کودکان باید با شعاع 10 متر از درختها فاصله داشته باشند. 6 برجسب زن را میان بچه ها و درختها قرار دهید.
- هنگامی که معلم گفت «طناب را بگیر» تمام بچه ها باید طناب ها را بدون آنکه آن 6 برجسب زن دستشان به آنها بخورد، بگیرند.
- اگر طنابی را بگیرند و ببینند کودک دیگری هم طناب را گرفته است، باید دست او را گرفته تا ردیفشان را گسترش دهند. تمام بچه هایی که طناب را گرفته و یا به خط آن متصل هستند، در امان خواهند بود و یخ نخواهند زد.
- زمانی که همه ی بچه ها به هم متصل شوند و یا یخ بزنند معلم سوتی برای ادامه ی بازی می زند. معلم عدد 2 یا 3 را فریاد می زند، بچه ها باید طناب را رها کرده و طناب مورد نظر را بدون اینکه برجسب بخورد، بگیرند. بچه ها می توانند در این بازی بدون برجسب زن ها قبل از ادامه ی بازی باید 6 قدم به عقب رفته تا فرصت فرار را به بچه ها بدهند.
- معلم هیچگاه شماره ی 1 را صدا نمی زند زیرا وقتی تمام بچه ها بر روی طناب شماره ی 1 هستند و یا یخ زده اند، بازی تمام می شود.





- بازی را ادامه دهید تا زمانی که ببینید بچه ها می فهمند که می تواند بر طناب شماره 1 اعتماد کنند و همه ی آنها اول به سمت آن طناب خواهند دوید.
- از بچه ها بپرسید که چرا وقتی طناب 2 و 3 خالی است، سراغ طناب 1 می روند.
- به آنها بگویید که چقدر این کار شبیه اعتماد به خداوند است. او سرشار از وفاداری است و اگر ما به سمت او برویم، دیگر مجبور نیستیم بدویم.



حضور 8

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

یوسف

تکلیف خانه 8

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما، بخشیدن مردم است. همه ی ما تجربه ی بد رفتاری کردن مردم با ما را داشته ایم. ما می توانیم از این اتفاق عصبانی شویم و خواهان انتقام باشیم و یا می توانیم بخشیدن و اعتماد به خداوند را انتخاب کنیم. این هفته علاوه بر اینکه فکر می کنید که چگونه یم فرد به شما آسیب رسانده است، به «بخشیدن آنها» هم فکر کنید. لازم نیست که به آن فرد بگویید، فقط کافی است که حتی وقتی که تنها هستید، این را با خودتان بگویید. این کار شما را از خشم و عصبانیت رها می کند و می توانید دوباره شاد باشید. شما همانند پدر آسمانیان، خداوند، خواهید بود، زیرا او همه ی ما را می بخشد. هرچه بیشتر مردم را ببخشید، آزادتر می شوید.

بخوانید

روز 1: خروج 3: 2-10

روز 2: خروج 7: 11-10، 21-20، 8: 6-8، 22-16

روز 3: خروج 9: 3-2، 19-6، 10: 305، 23-21

روز 4: خروج 11: 4، 12: 14-12، 30-29

روز 5: خروج 14: 9-5، 13، 27-21





9. گناهان را پشت سر بگذارید



قهرمان: موسی

کتاب خروج 2:15-1:1، 12:3:1، 17-4:10، (13:42-7:8)، 31-14:5، کتاب اعمال 7:20-34، کتاب عبرانیان 29-11:23

حفظ آیه 9

2 تیموتی 2:21 «کسانی که خود را از هرگونه آلودگی برای آخرت پاک می کنند، ابزاری برای اهداف خاص خواهند بود و همچنین پاک و منزه بوده و برای انجام هرکار نیکو آماده خواهند بود.»



شرح نیاز 9

کامت با عجله به سمت مغازه می دوید زیرا مادرش داشت غذا درست می کرد و به تخم مرغ نیاز داشت. او وارد مغازه شد و با صدای بلند صدا زد. سپس مقداری پول بر روی پیشخوان دید، حتما کسی آن را جاگذاشته بوده است. از آنجایی که کسی آنجا نبودف به پولها نگاه کرد و آنها را برداشت.



درس اصلی 9

خانواده ی یعقوب در ملت اسرائیل بزرگ شدند. اما مصری ها آنها را به عنوان برده گرفته و فرعون تصمیم گرفت که تمامی بچه های پسر آنها را بکشد. یک مادر اسرائیلی پسر بچه اش را درون سبزی گذاشت و درون رود نیل او را شناور کرد. دختر فرعون آن بچه را به سرپرستی گرفت و نام او را موسی نهاد. موسی ایمانش را به خداوند نشان داد به طوری که از موقعیتش درون یک خانواده ی سلطنتی مصر دست کشید تا یکی از مردان خداوند باشد. او می خواست که اسرائیل را نجات دهد اما او در این راه دچار گناه شد. روزی موسی یک مصری را به خاطر اینکه یک اسرائیلی را زده بود، به قتل رساند. اما قلب موسی یک گناه دیگر هم انجام داده بود: غرور. موسی فکر می کرد که می تواند اسرائیل را به نحوی که می خواهد نجات دهد. کتاب مقدس می گوید که خداوند با غرور مخالف است اما به فرد فروتن فضل و بخشش می دهد. همانطور که خداوند بر قلب یوسف اثر گذاشت، باید روی قلب موسی هم تاثیر می گذاشت. موسی دریافت و برای زندگیش گریخت و د صحرا زندگی کرد.

40 سال بعد، خداوند آمد و از درون آتشی که شعله ور نمی شد، با او صحبت کرد. خداوند به موسی گفت که برگردد، اما اینبار خداوند است که اسرائیلی ها را نجات خواهد داد و موسی باید به روش خداوند عمل کند. موسی دریافت که نمی تواند اسرائیل را نجات دهد، زیرا او در صحبت کردن و رهبری کردن مردم بسیار بی استعداد است. اما این پیشنهاد عالی بود! گاهی اوقات خداوند از ما در محیط هایی که اصلا استعدادی در آن زمینه نداریم استفاده می کند، بنابراین کاملا واضح است که خداوند این کار را از طریق ما انجام می دهد.

امروز ما درباره ی دزدی پول کامت از مغازه شنیدیم. خداوند نمی تواند از کامت وقتی که دزدی می کند استفاده کند. اگر ما از غرور و گناهانمان توبه کنیم، خداوند می تواند از ما استفاده کند. سپس وقتی خداوند ما را صدا کند، نخواهیم ترسید زیرا می دانیم که خداوند اینکار را از طریق ما انجام خواهد داد.

در مصر، خداوند از موسی برای نجات دادن اسرائیلی ها استفاده کرد که نشانی واضح از قدرت خداوند در طول تاریخ است. خداوند 10 آفت را در مصر به ارمغان آورد: تبدیل شدن آب به خون، شپش، مگس، گاو در حال مرگ، التهاب، تگرگ، ملخ، تاریکی و در پایان تمام پسرهای تازه به دنیا آمده ی مصر مردند. در آخرین طاعون، خداوند به اسرائیلی ها گفت که گوسفندان را برای غذا بکشند و خونشان را بر روی چارچوب درهایشان بگذارند. در تمام خانه هایی که از حرف خداوند پیروی کرده بودند، پسر تازه بدنیا آمده شان زنده مانده بود. تصویری از پسر خداوند عیسی بود که برای ما همانند یک گوسفند مرده بود. بسیاری از مردم سعی کردند که خودشان





را به روش خودشان نجات دهند به جای آنکه به عیسی باور داشته و توبه کنند و از خداوند پیروی کنند. آیا شما از روش خداوند استفاده می کردید؟

اسرائیل از خداوند پیروی کرد و به سمت دریای سرخ رفت، سپس مصری ها آنها را تعقیب کردند! موسی به اسرائیلی ها گفت که هیچ دلیلی برای ترسیدن وجود ندارد، زیرا خداوند برای آنها می جنگد و آنها را نجات می دهد. سپس خداوند دریای سرخ را شکاف داد و اسرائیلی ها از خشکی که دو طرف آنها دیواری از آب وجود داشت راه رفتند، اما مصریان غرق شدند. موسی اسرائیلیها را تا پایان عمر خود با انسانیت و اطاعت کامل از خداوند هدایت کرد.

من انتخاب می کنم که از گناهانم توبه کنم و برای خداوند خالص و پاک باشم.



نتیجه

کامت فرصتی داشت تا رفتار خوبی داشته باشد و پول را به مغازه برگرداند. او درباره ی این موضوع فکر کرد و سپس دوستش پایی که کاملاً دختر راستگویی بود، آمد. «مطمئنم که بهت نیاز دارم» کامت به او گفت. او با کمک دوستش، کار درست را انجام داد و پول را برگرداند.

فعالیت

یک داستان بگویید



مجلاتی را با خود به کلاس بیاورید و یا عکسهایی از مردم، نکانها و اشیا را از آن ببرید و به کلاس آورید (از آوردن تصاویر خارق العاده و نامناسب خود داری کنید). بچه ها را به گروه های دو نفره تقسیم کنید. هر گروه باید عکسهای مجله را بریده و یک داستان خلق کند که شامل گناه، توبه و زندگی جدید باشد.

جدول زمانی

خط زندگی موسی را رسم کنید.

سوال: بین تولد جوزف و تولد موسی چند سال فاصله است؟ پاسخ: زمان دقیقی وجود ندارد اما حدوداً 380 سال بوده است.

سوال: موسی چند سال زیست؟ پاسخ: 120 سال.

بازی

10 فرمان



- برای این فعالیت شما به 10 تخم مرغ، شامپو فرش، و یک داوطلب که مایل به کثیف شدن است، نیاز دارید
- برای هر 10 فرمان، از کودک بخواهید که تخم مرغ را نگه دارد. از روشهای مختلفی برای نگه داشتن تخم مرغ استفاده کنید. برای مثال، از دستش، از پایش، میان زانوهایش، زیر بازویش و درون دهانش و یا ...
- هر بار نگه داشتن تخم مرغ سخت تر می شود. در نهایت، برای انجام فرمان 10 باید تخم مرغ را بر روی سرش بگذارد.
- در طول بازی، درباره ی فرمانها صحبت کنید و بگویید که انجام آنها با یک تخم مرغ بسیار آسان است ولی با 10 تخم مرغ بسیار سخت است. برای مثال، برای شما ره ی 6 بگویید که نکشتن یک آدم بسیار آن است، پس تخم مرغ را خیلی راحت نگه دارید (بچه ها میتوانند با فریاد زدن بگویند که چگونه آن را نگه دارد).
- در انتها، تخم مرغ را در بالای سر کودک بشکانید. (آن را با یک تکه سنگ بشکانید، و از بچه ها مخفی نگه دارید. به سر بچه ها نزنید زیرا ممکن است دردناک باشد.) مطمئن شوید که آن کودک می داند که ممکن است کثیف شود. این درس، یک درس بصری بسیار قدرتمند است.

10 فرمان

1. نداشتن خدایی دیگر
2. بتی را خلق نکنید و یا به آنها تعظیم نکنید





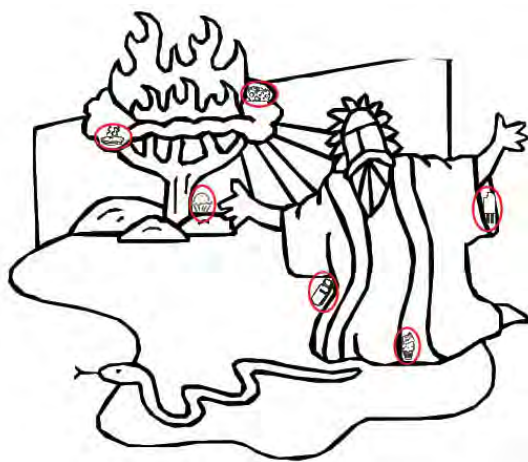
3. نام خداوند را برای کارهای بیهوده نگویند
4. روز استراحت را برای خود پس انداز کنید.
5. به پدر و مادرتان احترام بگذارید
6. کسی را نکشید
7. زنا نکنید
8. دزدی نکنید
9. شهادت دروغ ندهید (دروغ نگویند تا کسی را به دردسر بیندازید)
10. طمع نکنید.

جوابهای پازل

و	س	ا	آ	ی	ن	م	ت	خ
ت	ف	ل	ت	ط	و	ر	ر	ی
ب	ر	م	ش	ل	ا	ب	ب	د
و	ع	ک	خ	ت	ی	ی	م	خ
ت	و	م	ک	ع	ا	ص	د	د
ه	ن	ص	ی	ر	آ	ز	س	ا
ا	ب	ر	ه	ا	د	ت	ر	و
ع	د	ن	و	ز	ا	د	ا	ن
ر	آ	خ	ط	ع	و	ن	د	د



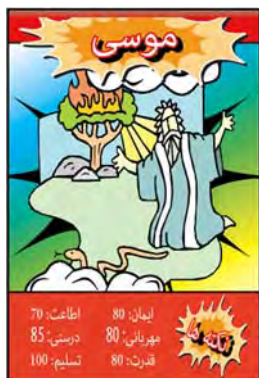
سرزمین
وعدہ داده شدہ





سوالات و جوابهای 9

1. اگر خداوند مرا می بخشد، پس چه اهمیتی دارد که من گناه کنم یا نه؟ (معمای رومیان 1. چرا باید مراقب باشیم که گناه نکنیم اگر خداوند ما را می بخشد؟ گناه همواره عملی در مقابل خداوند است و باید مجازات شود. عیسی ما را می بخشد، اما همواره برای گناه عواقبی وجود دارد. برای مثال، اگر من رفتار بدی در کلاس داشته باشم، خدا مرا می بخشد اما من تنبیه خواهم شد.)
2. اگر من کار خیلی خیلی بدی انجام دهم، چه اتفاقی می افتد؟ (ایده ی این سوال این است که دانش آموزان بدانند که خداوند گناهان بزرگ را هم می بخشد، اما با این وجود ما باید توبه کنیم و طلب بخشش نماییم. همچنین، اگر ما به کسی صدمه بزنیم، ممکن است به زندان برویم اما خداوند ما را می بخشد. چیزهایی مثل دارو، خشونت، یا سکس می تواند بر روی آینده ی ما تغییری ایجاد کند که ما خواستارش نیستیم.



حضور 9

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

موسی

تکالیف خانه 9

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما نوشتن درباره ی این است که عکس العمل شما پس از انجام گناه چیست، گناهایی مثل پنهان کردن چیزی و یا دروغ گفتن و یا هر گناه دیگر. برخی مواقع ما خودمان را با گفتن «من آدم خوبی نیستم پس نباید این کار را می کردم» تنبیه می کنیم و ناراحت می شویم. اما بهترین پاسخ این است که بپذیریم که گناه کردیم و از عیسی بخواهیم که گناه ما را ببخشد. خداوند نمی خواهد که درباره ی گناهتان ناراحت شوید. بلکه می خواهد آن را ببخشد، پس شما آزادید که دیگران را به توبه کردن تشویق کنید.

بخوانید

روز 1: اعداد 13: 1-3، 17-25

روز 2: اعداد 13: 26-33

روز 3: اعداد 14: 1-9

روز 4: اعداد 14: 10-16

روز 5: اعداد 14: 17-24



قهرمان: کالب

شماره های 1-13:3، 17-13:14، 7-14:30-14:24-45

حفظ آیه 10

اعمال 1:8 «هنگامی که روح القدس به سمت شما بیاید، قدرتی دریافت خواهید کرد و شما شاهدان من در اورشلیم، سراسر یهودا، سامرا تا آخر عمر زمین خواهید بود.»



شرح نیاز 10

در یک شبیه مدرسه، پیی یادگرفت که خداوند از ما می خواهد که ایمانمان را با دیگران به اشتراک بگذاریم تا بچه های دیگر به عیسی اعتقاد پیدا کنند. در روز دوشنبه، وقتی که پاپی در حال وارد شدن به مدرسه بود، دختری را دید که تنها بر روی نیمکتی نشسته است. او در راه کلاس به دوستش کامت گفت، «دختری را که تنها بر روی نیمکت نشسته بود را دیدی؟ شرط می بندم که دختر تنهایی است» کامت گفت «هی، شاید تو بتونی اونو سرحال کنی. تو حتی می تونی باهاش درباره ی عیسی حرف بزنی و اون را به کلیسا دعوت کنی تا دیگر تنها نباشد.» پیی گفت «اما من می توانم چکاری انجام دهم؟ من نمیدانم که به او چه بگویم. و بقیه دوستانم درباره ی من چه فکری خواهند کرد؟»



درس اصلی 10

پس از صدها سال، خداوند اسرائیل را هدایت کرد تا وعده ایشان را به ابراهیم، اسحاق و یعقوب تحقق ببخشند. خداوند به موسی گفت که 12 جاسوس را برای بررسی و کشف زمین وعده داده شده بفرستد. آنها بازگشتند و گفتند که آن سرزمین دارای شیر، عسل و انگورهای بسیار بزرگی است که باید دو نفر آنها را بلند کنند! اما 10 تا از جاسوسها گفتند که آدمها بسیار بزرگ بودند و آنها نمی توانند آن سرزمین را تصرف کنند. یکی از جاسوسها به نام کالب، آنها را متوقف کرد و گفت «ما قطعاً می توانیم این کار را انجام دهیم.» او به خداوند قدرتمند باور داشت که به آنها کمک خواهد کرد. خداوند این نوع ایمان را دوست می دارد.

اما مردم به سایر جاسوسها باور داشتند، و از ترس می لرزیدند و حاضر به رفتن نبودند. خداوند از آنها عصبانی بود و تنبیه آن 10 مرد، مرگ بود! تنبیه کل آن ملت سرگردان شدن در بیابان بود. هنگامی که آنها نافرمانی کردند، به آسانی شکست خوردند زیرا خداوند با آنها نبوده است. پس از 40 سال سرگردانی، تنها کسی که از این نسل باقی ماند کالب بود و همچنین جاسوس دیگری به نام جاسوا که با او هم عقیده بود. خداوند به عنوان پاداش ایمانشان، به آنها آن سرزمینی که دیده بودند را بخشید.

امروز ما دیدیم که پاپی ترسیده بود، اما کامت در ایمانش جسور بود و به پاپی کمک کرد. خداوند وقتی ما برای ایمانمان بایستایم و از او در موارد به ظاهر غیرممکن کمک کنیم، خوشنود می شود. خداوند برای زندگی شما برنامه ای دارد که فراتر از آن چیزی است که می توانید تصور کنید.

عیسی گفت: اگر شما ایمانی شما قوی است، شما می توانید کوه را حرکت دهید (متیو 17:20). ما می توانیم ایمانمان را همچون یک دانه گسترش دهیم و به رهبران کلیساهایمان خدمت کنیم. جاشوا دستیار شخصی موسی بود (خروج 24:13). موسی به خیمه می رفت تا با خداوند صحبت کند، اما وقتی بیرون می آمد، جاشوا درون خیمه با خداوند تنها می ماند (خروج 33:11). ما می توانیم با خداوند وقت بگذرانیم با خواندن کتاب مقدس، خواندن شعرهای او نه تنها با دیگران بلکه حتی وقتی تنهایی هستیم. ما می توانیم کارهایی را که خداوند در کتاب مقدس و زندگیمان انجام داده است را به یاد آوریم. کالب و جاشوا معجزه ی خداوند را در مصر دیدند. ما می توانیم دوستانی را که ما را تشویق می کنند انتخاب کنیم درست مثل زمانی که جاشوا به کالب در ترغیب کردن همه ی افراد پیوست. در مقابل، مابقی اسرائیلی ها به جاسوسهایی که باور نداشتند، پیوستند. اگر باور غلط یک دوست بر روی شما اثر بگذارد، بنابراین شما می توانید از آنها فاصله بگیرید و زمان بیشتری را با دوستانی که باور دارند سپری کنید. بر ایمانتان کار کنید تا زمانی که خداوند شما



را صدا کرد، نه تنها می توانید از او اطاعت کنید و زندگی فوق العاده ای را داشته باشید، بلکه می توانید دیگران را به این کار ترغیب کنید.

من می خواهم به خداوند بگویی. خدایا، من به تو کنترل زندگیم را خواهم داد تا هرکاری را که می خواهی انجام دهی، چه این کار بزرگف کوچک و یا خطرناک باشد. زندگی من برای تو است. به من کمک کن تا برای تو زندگی کنم بدون ترس و رنج. لطفا چشمهایم را باز کن تا برنامه های بزرگی را که برای من داری ببینم. ازت ممنونم.

نتیجه 10



در موقع ناهار، کامت گفت: «هی، اگر من باهات بیایم، چی؟ بیا برویم و با آن دختر بر روی میز بنشینیم. من نمی دونم که چی باید بگویم، اما شاید خداوند به ما کمک کند که با او مهربان باشیم.» پاپی خوشحال بود که کامت دوست اوست و می تواند به او در به اشتراک گذاشتن ایمانش با آن دختر کمک کند. آن دختر مشکلاتی را در خانه داشت اما تعدادی دوست جدید پیدا کردن و یادگرفتن درباره ی عشق عیسی باعث می شد که احساس بهتری داشته باشد.

فعالیت 10

نامه ای به خداوند



در این فعالیت، هر یک از بچه های کلاس باید نامه ای به خداوند بنویسند و بگویند که چه چیزهایی را می خواهند خداوند برای زندگیشان انجام دهد. بچه ها را تشویق کنید که رویاهای بزرگ در سر پپروراندند. بچه ها باید برای این درخواست، در خانه و در طول هفته خداوند را پرستش و دعا کنند و اگر خواستند خواسته هایشان را بیشتر کنند.

جدول زمانی 10

خط زندگی کالب را رسم کنید.

سوال: وقتی کالب بدنیا آمد، موسی چند ساله بود؟ پاسخ: زمان دقیقی وجود ندارد، اما حدودا 40 ساله بوده است.

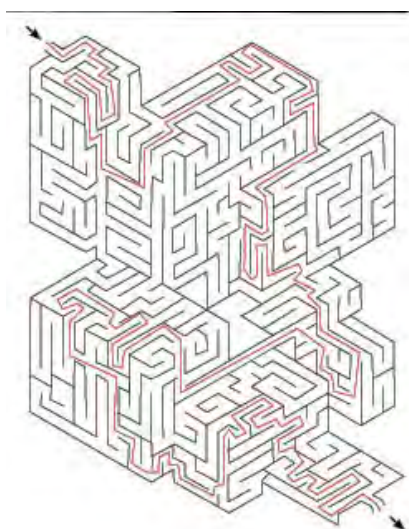
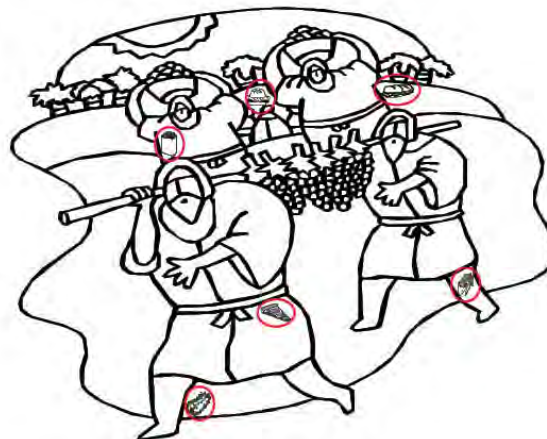
سوال: کالب چند سال زندگی کرد؟ پاسخ: زمان دقیقی در دسترس نیست، اما حدودا 110 سال زندگی کرده است.





جوابهای پازل 10

ا	ن	د	ر	ی	م	ک	ظ	ع	ت
ق	ب	ا	ی	ل	ق	ل	ش	م	خ
ش	ج	ا	س	و	س	ه	ی	ا	ن
ز	ت	ع	ظ	ی	م	ک	ر	د	ن
م	ج	ا	ز	ا	ت	ر	ا	ظ	ع
ی	و	ا	ق	ش	ج	د	م	ل	م
ن	ج	ر	ش	ر	ل	ن	خ	د	ب
ل	خ	د	ا	و	ن	د	ر	و	م
ش	ا	س	ق	ل	ا	م	ج	ن	ب



سوالات و جوابهای 10

1. چه کارهای سختی خداوند از شما تا به حال خواسته است؟ (درباره ی موقعیت های مختلفی در زندگی دانش آموزان با آنها صحبت کنید.)
2. اگر من کاری را انجام دهم که باور دارم خداوند از من خواسته است اما به جایش به دردمس بیافتم و یا به خودم آییی بزنم، باید چه کارکنم؟ (خیلی از افراد با اطاعت کردن از خداوند زندگیشان را از دست داده اند، پس اطاعت کردن از خداوند در هر شرایطی از عدم اطاعت از او بهتر است.)
3. چگونه می توانم مطمئن باشم که صدای خداوند را شنیده ام؟ (شما می توانید هر تصمیمی را با این سه قاعده ی پیشنهادی بررسی کنید: 1. کتاب مقدس: آیا کتاب مقدس عقیده دارد که این کار خوب است؟ 2. مسئولان من: والدین و کشیش من در این باره چه می گوئی؟ و 3. روح من: کتاب مقدس می گوید که روح ما خوبی را تشخیص می دهد و صدایش را می شناسد. ما باید یادگیریم که چگونه به روحمان گوش دهیم و بفهمیم این کار را باید و یا نباید انجام دهیم. از این قواعد پیروی کنید، اگر تصمیم گرفتیم که این صدای خداوند است پس باید از آن پیروی کنیم حتی اگر غیر ممکن باشد!)





بازی 10

چه کسی ناپدید شده است؟



بچه ها باید به صورت دایره نشسته و چشمانشان را ببندند.

- معلم کودکی را که باید قایم شود را لمس می کند.
- سپس از بچه ها می خواهد که حدس بزنند چه کسی ناپدید شده
- گزینه: شما می توانید تعدادی اشیا در مرکز دایره قرار داده و وقتی چشمان بچه ها بسته است، معلم یکی از آنها را برداشته و از بچه ها بخواهد که حدس بزنند کدام شی برداشته شده است.

حضور 10

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

کتابهای تاریخی



تکالیف خانه 10

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما نوشتن 5 کار خوبی است که خداوند برای شما انجام داده است. سپس فکر کنید که چه افرادی در زندگیتان موافقت که این کار خوبی بوده اند. آنها همان افرادی هستند که شما دوست دارید وقت بیشتری را با آنها سپری کنید. درباره ی این فکر کنید که چگونه می تواند کارهای روزانه تان را تغییر دهد تا زمان بیشتری را با این دوستان سپری کنید. شما همین حالا هم ایمان دارید، اما این کار کمک می کند که ایمانتان را تقویت کنید مثل آب دادن به گیاه که به رشد او کمک می کند.

بخوانید

روز 1: اعداد 22: 1-8

روز 2: اعداد 22: 9-17

روز 3: اعداد 22: 18-25

روز 4: اعداد 22: 26-33

روز 5: اعداد 22: 34-41



11. حتی به آن فکر هم نکنید



داستان کتاب مقدس: بلعام

شماره های 1:22-6، 9:22-38، 13:23-21، 10:24-13

حفظ آیه 11

افسیسیان 6:1 «کودکان، از والدین خود اطاعت کنید، زیرا این کار درست است.»



شرح نیاز 11

بوز می خواست در کنفرانسی که در شهر او برگزار می شد، برود. او سریعاً تکالیفش را انجام داد و به مادرش کمک کرد که خانه را تمیز کند، پس حالا اجازه ی رفتن به آنجا را داشت. اون کارش را تمام کرد و به مادرش گفت، «مامان، به من اجازه می دهی که امروز عصر در مرکز شهر به کنفرانس بروم.» مادرش به او گفت «امروز عصر امکانش نیست. ما می خواهیم بیرون برویم و از تو می خواهیم که خانه بمانی.» بوز خیلی ناراحت و سرافکنده شد. چطور ممکن است که مادرش به او اجازه نداد که به بیرون برود؟ در آن لحظه، کیپ، دوست یک شنبه مدرسه اش، به او زنگ زد و پرسید «آیا تو هم می آیی؟ برات صبر کنیم؟» اون گفت «نه، نمی توانم بیایم» کیپ گفت «بوز، این کنفرانس درباره ی خداوند است. تو می توانی بری. خداوند از هرچیز دیگری مهم تر است.»

درس اصلی 11

هفته ی پیش در این باره صحبت کردیم که اسرائیل به مدت 40 سال در بیابان ها سرگردان بوده است. درحالی که اسرائیل در حین سفر در این بیابان بوده اند، از قلمروی کیشو موآب گذر کردند. موآبی ها از آنها ترسیدند بنابراین پادشاه موآب، بلانک، مردی را به نام بالام فرستاد تا آنها را نفرین کند. هنگامی که بالام از خداوند پرسید که چه کاری باید انجام دهد، خداوند به او گفت که نرو. اما پادشاه بالاک ناراحت شد و واقعا می خواست که بالام بیاید، پس برای او هدیه های بهتری را فرستاد و پاداش های بزرگتری را به او وعده داد. بالام به آنها گفت که باید صبر کنند و ببینند که خداوند چه می گوید. برخی اوقات وقتی ما با خداوند موافق نیستیم، وسوسه می شویم که دوباره بیرسیم و یا او را مجبور کنیم که نظرش را عوض کند. خداوند به او اجازه داد که برود اما از او ناراحت شد.

گاهی اوقات که ما خداوند را مجبور می کنیم، در آن حالت او به ما اجازه می دهد که هم آنچه را که می خواهیم داشته باشیم و هم عواقب کارمان را دریافت کنیم. همانطور که بالام در راهش به سمت موآب می رفت، فرشته ای در مقابل او در جاده ایستاد. بالام او را ندید، اما خر او دید. ابتدا خر راهش را به سمت مزرعه تغییر داد، سپس پای بالام را به دیواری چسباند و خودش را به زمین انداخت. وقتی بالام از خرش ناراحت بود، خداوند به خر اجازه ی صحبت کردن داد! او گفت «چرا از من ناراحتی؟ مگر من خر مورد اعتمادت نبودم؟ آیا من هیچوقت هم چنین کاری انجام داده ام؟» سپس خداوند اجازه داد که بالام فرشته را ببیند که ممکن بود او را بکشد. سپس بالام فهمید که کاری که انجام داده است اشتباه بوده است. بالام دریافت که خداوند نمی خواسته است که او اسرائیل را نفرین کند، بدون توجه به اینکه پادشاه بالاک قرار بوده است چه مقداری پاداش بدهد. وقتی آنها رسیدند، بالام 4 بار اسرائیل را مورد برکت قرار داد و هیچ گاه درباره ی عدم اطاعت از خداوند فکر هم نکرد.

اوایل امروز ما درباره ی بوز شنیدیم که وسوسه شده بود تا از خانواده اش نافرمانی کند و به کنفرانس برود. برای او آسان است که دلایلی برای رفتن به آنجا داشته باشد. اما خداوند به ما فرمان داده است که از والدینمان اطاعت کنیم، و فرمان خداوند برای این کنفرانس تغییر نخواهد کرد. عیسی گفته است که تماشا کنید و دعا کند آنگاه هیچ وقت وسوسه نخواهید شد (متیو 26:41). افکارتان را ببینید زیرا هرچقدر فکر می کنید که می خواهید کار اشتباه انجام دهید، سخت تر می توانید آن کار را انجام دهید. هر زمانی که کلمات خداوند را به یاد آوردید، سریعاً آنها را اطاعت کنید پس هیچگاه درباره ی انجام کار اشتباه فکر نخواهید کرد.





من تصمیم گرفتم که در اطاعت از خداوند بسیار سریع باشم و به خودم اجازه ندهم که درباره ی کار اشتباه فکر کنم.



نتیجه 11

در آن زمان، بوز به یاد آورد که کلمات خداوند می گفتند که ما باید از والدینمان اطاعت کنیم و خداوند می خواهد با مطیع باشیم. سپس گفت، «من نمی روم» او به کیپ گفت که کلمات خداوند این را از ما می خواهد.

فعالیت 11

حلقه های لاستیکی

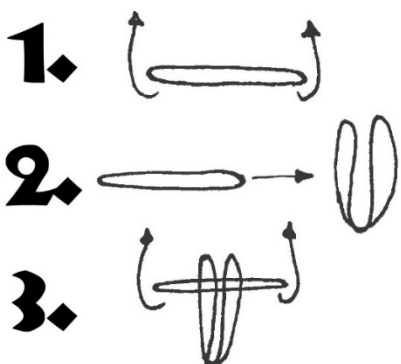
در طول کلاس از بچه ها بخواهید که یک انگشتر و یا دستبند لاستیکی درست کنند تا در طول هفته به یاد داشته باشند که نباید خداوند را رها کنند. از عکس و دستورالعمل برای ساختن حلقه های پلاستیکی استفاده کنید.

1. یک نوار لاستیکی بردارید و آن را نصف کنید.

2. یک نوار لاستیکی دیگر را از حلقه ی ساخته شده با نوار لاستیکی اول، عبور دهید.

3. نوار لاستیکی را همانند یک زنجیر چین دهید. این مراحل را تکرار کند تا زمانی که زنجیر به اندازه ای که می خواهید دربیاید.

4. از یک نوار لاستیکی تا خورده ی دیگر استفاده کنید تا انتهای زنجیر را به هم متصل کنید.



جدول زمانی 11

زمانی که داستان کلیسای بلام اتفاق افتاد را به صورت نقطه بر روی جدول نشان دهید.

سوال: زمانی که مردم خداپرست در بیابان به راه افتادند، موسی چند ساله بود؟ جواب: 80 ساله.

سوال: چه زمانی بلام شروع به تلاش کردن علیه مردم خداپرست کرد؟ پاسخ: هنگامی که آنها در بیابان سرگردان بودند.

جواب پازل 11

کتابهای مقدس

کتاب های بابل (کتاب مقدس) را به ترتیب از کتاب پیدایش تا کتاب استر بنویسید.

1. پیدایش

2. خروج

3. لوینیکوس

4. اعداد

5. تثنیه

6. جاشوا

7. فضات

8. روت

9. ساموئل 1

10. ساموئل 2

11. پادشاهان 1

12. پادشاهان 2





13. تواریخ 1

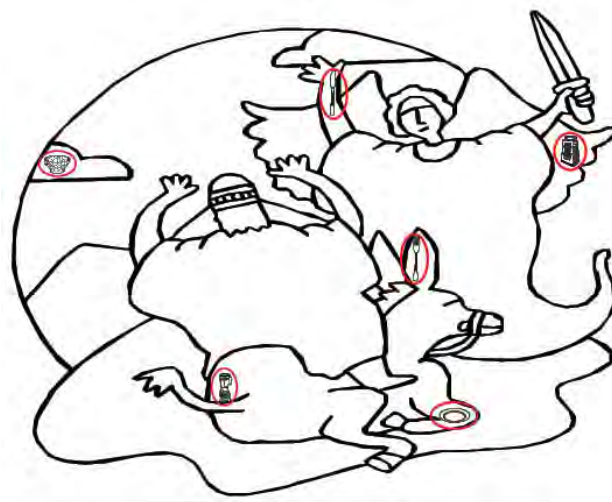
14. تواریخ 2

15. عزرا

16. نیمایا

17. استر

ل	ا	ج	ش	ق	گ	ن	ا	ه	خ
ن	ه	ص	ر	م	م	پ	ت	م	ش
خ	ر	ا	ر	ا	ش	ف	خ	ا	م
ج	س	ت	ل	ا	ا	ی	ل	ر	پ
ر	پ	ب	ت	ی	ر	م	ر	د	م
ف	ر	ش	ت	ه	پ	ک	ج	و	ص
خ	د	ا	و	ن	د	ش	ر	ز	ق
ص	ج	ق	د	ر	ت	م	ن	د	ل
ن	خ	د	ا	و	ن	د	خ	ن	ن



سوالات و جوابهای 11

1. من باید به حرف چه کسی گوش دهم؟ (اول خداوند، سپس مسئولان ما بر روی زمین. در ذهن داشته باشید، ما اغلب می توانیم مطمئن شویم که خدا را پیروی می کنیم اگر مسئولان ما با آنچه می شنویم در یک راستا فعالیت کنند.)
2. اگر والدینم از من کار اشتباهی را بخواهند، باید چه کار کنم؟ (درباره ی موقعیت های مختلفی که والدین شما ممکن است اشتباه کرده باشند، صحبت کنید. به بچه ها کمک کنید که با دیدگاه والدین آشنا شوند زیرا در بیشتر مواقع والدین کار درست را انجام می دهند.)
3. چه زمانی رئیس خواهم شد؟ (در تجربه ی من، حتی اگر بزرگ هم شوندف خداوند از آنها می خواهد که چند سالی را به دیگران خدمت کنند. دانش آموزانی که رهبران با استعدادی هستند، را تشویق کنید تا منتظر بمانند تا خداوند به آنها مسئولیت خطیری را مهول کند. برای مثال عیسی، هنگامی که دوازده سالش بود، سوالات چالش برانگیزی را درباره ی رهبران مذهبی می پرسید، اما خداوند اجازه نداد که مسئولیتش را تا 30 سالگی شروع کند.)

بازی 11

خر را زخمی نکن



یک کارت بردارید و یک خر را در مرکز آن بکشید، یک سری فضای خالی برای شمشیر زدن در اطراف آن خالی بگذارید. همچنین یک شمشیری را در همان اندازه در فضای خالی اطراف خر رسم کنید.

- بچه ها را به گروه های دو الی سه نفری تقسیم کنید و از هر گروه یک کودک را انتخاب کنید.
- به کودک انتخاب شده شمشیر بدهید و از گروهش بخواهید که چشمانشان را ببندند.
- گروه باید با فریاد زدن جهت ها (راست، چپ، بالا و پایین) به کودک در تعیین مسیرش کمک کند. آنها باید سعی کنند که شمشیر را به نقاط خالی تصویر برده و با خر برخوردی نداشته باشند.





• هر گروه در رقابت شرکت کرده و یک گروه به عنوان برنده انتخاب خواهد شد.



حضور 11

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:
شمشیر خداوند

تکلیف خانه 11

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما نوشتن درباره ی تمام چیزهایی است که درباره ی آن سرکشی کرده اید، کارهایی که دوست نداشتید انجام دهید اما باید انجام می دادید و یا چیزهایی که می خواستید انجام دهید اما نباید انجام می دادید. این کارها می تواند کارهای ساده ای مثل همین تکلیف باشد و یا کارهایی باشد که والدینتان از شما خواسته بودند. به میزان اثر منفی که ممکن است این کار بر روی قلبتان، دوستان و خانواده تان، آرزوهای آینده تان و رویای خدمت به خداوند، داشته باشد فکر کنید. سپس از عیسی بخواهید که شما را ببخشد و آن را از قلبتان پاک کند، به عیسی بگویید که او پادشاه شما است. پیگیری کنید که آیا این سرکشی ها ا ترک کرده اید و یا نه، سعی کنید تا حد نیازتان دعا کنید.

بخوانید

روز 1: یوحنا 5: 6-13

روز 2: یوحنا 6: 6-11

روز 3: یوحنا 6: 12-19

روز 4: یوحنا 6: 20-23

روز 5: یوحنا 6: 24-27



قهرمان: جاشوا

جاشوا 11:1-1، 21:2-1، 18-4:7، 4:15-3:14، 6:11-5:10، 25-6:15، 6:20، کتاب عبرانیان 31-11:30

حفظ آیه 12

یوحنا: 12 «به تمام کسانی که او را پذیرفتند، و کسانی که به نام او معتقد بودند، به آنها حق فرزندی خداوند داده شده است.»



شرح نیاز 12

کیپ در حال آماده کردن خودش برای پایان سال تحصیلی بود. زمان امتحانهای نهایی بود و اون می دانست برای اینکه بورسیه خودش را حفظ کند باید تمام سعیش را کند. فردا، اون اولین امتحانش را داشت، اما امروز اون با دوستانش بازی کرد و کارتون دیدند. در پایان روز، وقتی اون می خواست برود که بخوابد، دعا کرد «خدایا، لطفاً، من را در امتحان فردا کمک کن. من باید امتحانم را خوب بدهم تا بورسیه ام را از دست ندهم. مرسی که به حرفهای من گوش می دهی. من می دانم که تو به من کمک خواهی کرد.»



درس اصلی 12

به یاد می آورید که چگونه جاشوا ایمانش را ساخت؟ خداوند جاشوا را انتخاب کرد تا ملت را رهبری کند و به او قول داد که همواره با او خواهد بود. پس از 40 سال سرگردان بود، زمان گرفتن سرزمین وعده داده شده، رسیده بود. جاشوا دو جاسوس را به شهر جریکو فرستاد. یک فاحشه به نام رحاب؛ جاسوسها را مخفی کرد و به آنها کمک کرد تا از پنجره ی خانه اش فرار کنند. همه موافق بودند که او و خانواده اش را نجات دهند اگر یک طناب قرمز از پنجره اش آویزان کند.

برای عبور از رود اردن، کشیشان، کمان عهد را که نمادی از خداوند است را با خود حمل می کردند و مستقیم به وسط رود رفتند. رود به شکل سیل به طور معجزه آسایی در بالادست جمع شده بود. تصور کنید که می خواهید یک مشت آب را درون دستانتان نگه دارید. اسرائیل از خشکی گذشت و 12 سنگ را از سطح زمین رود جمع کردند تا به یاد آورند که خداوند چه کاری کرده است. ما می توانیم درباره ی اینکه خداوند در زندگیمان چه کاری کرده است، بنویسیم. اسرائیل این عبور را جشن گرفت. وقتی را گنج آنها خون گوسفند را بر چاقوب درهایشان در مصر گذاشته بودند تا نجات یابند را به یاد می آورید؟

یک روز جاشوا مردی را با شمشیری کشیده دید. از او پرسید که آیا طرفدار اسرائیل است یا طرفدار دشمن است. مرد گفت که من طرفدار هیچکدام نیستم اما فرمانده ی ارتش خداوند بوده است. آن مرد عیسی بود!

گاهی اوقات ما فرض می کنیم که خداوند سمت ما را میگیرد فقط به خاطر اینکه ما خودمان را مسیحی می دانیم و به کلیسا می رویم. برخی مواقع کارهای اشتباهی انجام می دهیم مثل درس نخواندن برای امتحان و یا گناه کردن، اما بعد آن هر آنچه را که می خواهیم از خداوند میخواهیم و دعا می کنیم و تعجب می کنیم که چرا به دعاهای ما جواب نمی دهد. اما ما باید طرف خداوند باشیم و به راه های دیگر فکر نکنیم. اسرائیلی ها با گرفتن جشن عبور، طرف خداوند را گرفتند که نشانه ای از باور عیسی است. رهاب هم به کمک کردن به مردم و آویزان کردن طناب قرمز از پنجره اش جانب خداوند را گرفت که این هم نشانه ی دیگری از باور به عیسی است. فریسیان، رهبران مذهبی اسرائیل در عهد عیسی، فکر می کردند که در طرف خداوند هستند اما او را با عدم اعتقاد به عیسی و دور کردن مردم از خداوند، ناراحت کردند. عیسی به آنها گفت که جمع کننده های مالیات و روسپی ها با باور داشتن و توبه کردن وارد ملکوت خداوند شده اند (متیو 21:31-32). ما نمی توانیم به ایمان والدینمان و یا رفتن به کلیسا اکتفا کنیم و ما نباید دیگران را به خاطر جایی که از آن آمده اند، قضاوت کنیم. مهم نیست که از کجا آمده اید، باید به عیسی باور داشته باشید تا نجات یابید.



اسرائیلی ها در اطراف شهر رژه رفتند و فریاد زدند. همه ی دیوارها جز دیوار خانه ی رهاب فرو ریخت و اسرائیلیها شهر را به آتش کشیدند. رهاب نه تنها به مردم خداوند پیوست بلکه او جد مادری پادشاه آینده، دیوید شد و همچنین جد عیسی (متیو 1:5-16) و جاشوا تا پایان عمرش رهبری کشور را بر عهده گرفت.

من دریافتم که بودن در میان مسیحی ها به معنای این نیست که خداوند طرف ما را میگیرد. من انتخاب کردم که طرف خداوند را با اعتقاد به عیسی و اطاعت از او، بگیرم.



نتیجه 12

امتحان کیپ بسیار سخت بود و او فقط با درس خواندن می توانست آن را قبول شود. او امتحان را تمام کرد و امیدوار بود که خداوند به گونه ای او را کمک کند. چند روز بعد به او نتایج امتحانش را دادند و کیپ امتحان را قبول نشده بود چون آماده نبود. کیپ بورسیه اش را از دست داد. آن وقت بسیار ناراحت شد و گوشیش را برداشت و به دوستش تافی زنگ زد تا برایش دلسوزی کند.

فعالیت 12

دیوارهای جریکو



به بچه ها اجازه دهید که چند دقیقه برای چیزهایی که باعث جدایی آنها از خداوند شده است، دعا و توبه کنند. به هر یک از بچه ها یک تکه کاغذ بدهید، که هر یک از این تکه کاغذها به نشانه ی یک آجر از دیوار جریکو است. به آنها بگویید که بر روی هر یک از این آجر ها چیزهایی را که باعث جدایی ما از خداوند می شود را بنویسند. سپس از بچه ها بخواهید که کاغذهایشان را تا زده و با خود به خانه ببرند. آنها را تشویق کنید که در طول هفته به این برگه نگاه کنند و دعا کنند که خداوند این دیوار را که ما را از او جدا کرده است، فرو خواهد ریخت.

جدول زمانی 12

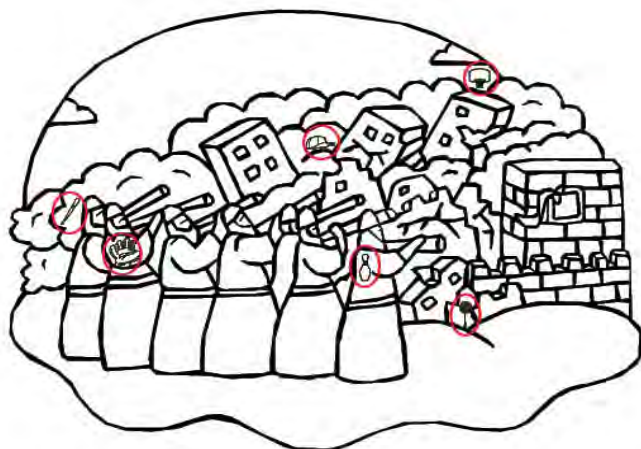
خط زندگی جاشوا را رسم کنید.

سوال: زمانی که جاشوا بدنیا آمد، موسی چند ساله بود؟ پاسخ: زمان دقیقی در دسترس نیست اما حدودا 40 سال داشته است.
سوال: جاشوا چند سال زندگی کرد؟ پاسخ: 110 سال.

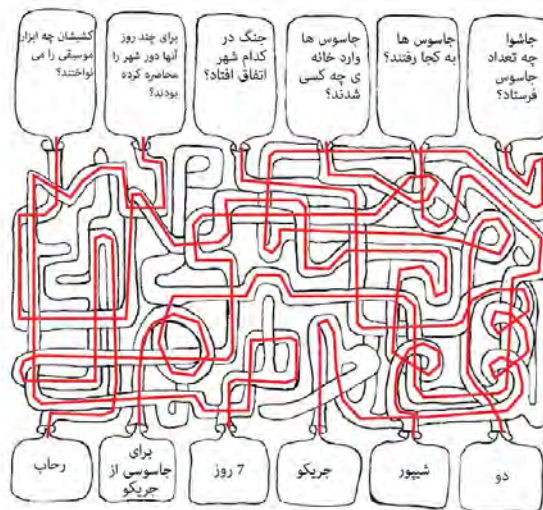




جواب پازل 12



ق	ه	د	ا	و	ن	ا	خ	س	ب	
د	د	د	ف	م	ج	ا	ش	و	ا	
ی	ن	ه	و	ن	ا	ر	خ	د	ه	
و	و	ت	گ	س	ت	ه	ی	ا	ر	
ا	ا	ش	ا	ی	ی	س	ی	ک	س	
ر	د	ر	ق	س	ا	م	ت	ج	و	
ه	خ	ف	ج	ا	ف	ا	ت	ا	د	ن
ا	و	ب	ر	ک	ت	د	ا	د	ن	
م	ی	ت	د	ج	ه	ت	ه	م	س	



سوالات و جوابهای 12

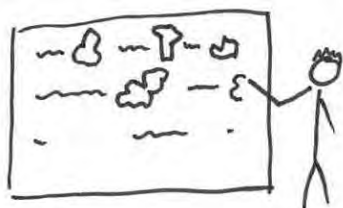
1. آخرین باری که از خداوند کمکی را خواستید که از خواسته های خداوند نبوده ، چه وقت بوده است؟ (درباره ی دعاهای خنده دار مثلا دعا کردن درباره ی فردی که در تلویزیون کار می کند، دعا کردن برای سرکار نرفتن، دعا کردن درباره ی باختن یکی دیگر از بچه ها، صحبت کنید).
2. خداوند بسیار بزرگ است، پس چگونه می تواند دوست من باشد؟ (درباره ی جنبه های مختلف خداوند صحبت کنید، مثل عظمت و عشق او. همچنین درباره ی این واقعیت که او کاملا ما را می شناسد هم صحبت کنید).
3. خداوند از من چه می خواهد؟ (همه ی ما دارای هدیه های متفاوت و توانایی های فیزیکی متفاوت از خداوند هستیم، خداوند می تواند از همه ی ماها در یک مسیر و یا مسیرهای متفاوت استفاده کند تا شکوهرها در جهان به نمایش بگذارد و افراد بیشتری را به سمت خود جلب کند. ما از چه هدایایی بهره مند شده ایم؟ چه قابلیت هایی دارید؟ به یاد آورید، خداوند می تواند از ما در راه هایی که در آن استعدادی نداریم هم استفاده کند. گاهی او می خواهد که عظمتش را با نشان دادن ضعف ما به نمایش بگذارد. او درباره ی قلبی که آماده ی پذیرش است، بیشتر اهمیت می دهد).





بازی 12

نقاشی کنید



- پوستری را که حاوی آیه ای که باید در این درس حفظ می کردید، باشد را آماده کنید. تعدادی از کلمات آن را حذف کنید و جای آنها را خالی بگذارید.
- برای بازی، بچه ها باید آن آیه را در کتاب مقدس پیدا کنند و بگویند که کدام کلمات در پوستر حذف شده است.
- در جاهای خالی بچه ها باید نقاشی را بکشند که نشان دهنده ی کلمه ی حذف شده باشد (ممکن است آن را بتوان به شیوه های مختلفی نشان داد).
- اگر تعداد بچه ها زیاد است آنها را به گروه های 4 الی 6 نفری تقسیم کنید و یک کپی از پوستر را به هر گروه بدهید.
- هنگامی که تمامی تصاویر کشیده شد، از آنها بخواهید که آیه را چند بار تکرار کنند تا به خوبی یاد بگیرند.



حضور 12

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

جاشوا

تکلیف خانه 12

تکلیف

تکلیف این هفته ی شما، فکر کردن در این باره است که آیا شما می خواهید مسیحی باشید به صرف اینکه عضو گروه مذهبی خاصی باشید و یا اینکه واقعا به عیسی باور دارید. اگر اولین بارتان است و یا هنوز مطمئن نیستید، از معلم یکشنبه مدرسه ی خود بپرسید که چگونه می توانید با اعتقاد به عیسی عضو خانواده ی خداوند شوید. اگر همین حالا هم عیسی را پذیرفته اید، پس این هفته حرف خوبی را به کس دیگری که با شما متفاوت است بزنید، مثلا از لباسها و یا بازی خوب آنها تعریف کنید.

بخوانید

روز 1: یوحنا 7: 1-12

روز 2: یوحنا 7: 13-19

روز 3: یوحنا 7: 20-26

روز 4: یوحنا 8: 1-13

روز 5: یوحنا 8: 14-29



13. هیچ چیز را نگه ندارید



داستان کتاب مقدس: آخان

جاشوا 19:6-17، 12:7-1، 8:7-20، 27:8-18

☀ حفظ آیه 13

1 یوحنا 1:9 «اگر ما به گناهانمان اعتراف کنیم، خداوند وفادار و عادل است و گناهان ما را می بخشد و ما را از هرگونه ناپاکی منزله می کند.»



☀ شرح نیاز 13



کامت در کلاس بود و پیش از اینکه معلمش درخواستی کند، در حال کامل کردن کارهای علمی اش بود. اون می خواست نمره ی بالایی را بگیرد. ناگهان، یکی از دوستانش درحالی که می دوید وارد کلاس شد و ناگهان افتاد و کار کامت را به زمین انداخت. زمانی که کارش به زمین افتاد، خراب شد، پس او هیچ چیزی برای تحویل دادن به معلمش نداشت. کامت خیلی عصبانی شد، اما پسر در مقابل همکلاسی ها و معلمش از او عذرخواهی کرد. کامت هیچ کاری نتوانست انجام دهد. او هیچ انتخابی نداشت مگر اینکه بگوید «تو از من عذرخواهی کردی، پس من تو را می بخشم». اما او واقعا آن پسر را نبخشیده بود. او فکر کرد «یکی از این روزها، همین کارها را برایت انجام می دهم، آن موقع می فهمی که از دست دادن چیزی که مهم است، چه حسی را به آدم می دهد.» پس از آن، کامت صبر کرد تا روزی معلم یک پروژه ی بزرگ را بچه ها بدهد. روزی معلم همچنین پروژه ای را بچه ها داد. کامت گفت «این فرصت من است!». وقتی که زمان آن رسید که تلافی کند، کامت رفت به یک مغازه و نوشابه خرید. قصدش این بود که «تصادفا» نوشابه را بر روی کار دوستش بریزد.

☀ درس اصلی 13

هفته ی پیش، جاشوا و اسرائیلی ها، جریکو را گرفتند. خداوند به آنها گفته بود که تمام چیزی که در شهر اول است متعلق به اوست، پس آنها باید آن را می سوزانده و هیچ چیزی را برای خودشان بر نمی داشتند. چپاول و غارت بقیه ی شهرهای باقی مانده برای اسرائیل بود. در زندگیمان، اولین هر چیزی متعلق به خداوند است، و ما باید آن را به خداوند بدهیم.

جاشوا و اسرائیلی ها فکر می کردند که تصرف شهر بعدی آی آسان است. آن جنگ نسبت به جنگی که همین حالا داشتند، بسیار کوچک تر بود. خداوند درون ما روح مقدس را قرار داده است تا به ما در پیروز شدن بر گناهانمان و انجام کارهای نیک مثل خوب بودن با والدین، کمک کند. با کمک خداوند، این جنگ به نظر آسان می آمد. اسرائیلی ها تنها تعدادی افراد را برای مقابله با شهر فرستادند، اما این بار به آسانی شکست خوردند! جاشوا از خداوند گله و شکایت کرد و گفت «چرا دیگر با ما نیستی؟ تمام مردم این سرزمین همدیگر را خواهند کشت، و دیگر هیچ کدام فکر نخواهند کرد که تو خداوند خوبی هستی!» خداوند به او گفت که بایستد و گله و شکایت را تمام کند، آنها شکست خوردند زیرا فردی از جریکو دزدی کرده است، و به خداوند دروغ گفته و نافرمانی کردن و آن را پنهان کرده است. فرض کنید که روزی به خانواده بتان دروغ می گوئید. ممکن است چیزی را از خانواده، معلم و یا دوستان پنهان کرده باشید، اما خداوند می بیند و همه چیز را می داند. چند روز بعد درخواهید یافت که خوب بودن با والدینتان بسیار سخت است، پس گریه خواهید کرد و از خداوند گله و شکایت می کنید و از او می پرسید که چرا با شما همراه نبوده است. به جای اینکار مثل جاشوا رفتار کنید و از خداوند بخواهید که اگر اشتباهی مرتکب شده اید به شما بگوید. وقتی اینکار را کنید، خداوند سریعاً به شما کمک می کند زیرا او عاشف شمامست و بهترین چیزها را برایتان می خواهد. درست مثل خداوند درباره ی آنچه که اسرائیل انجام داد و آنچه که ملت های همسایه فکر کردند، اهمیت دهید، او به قلب شما بیشتر از ظواهر پیروزی ها عالی اهمیت می دهد. کتاب مقدس بیان می کند که اگر ما به گناهانمان اعتراف کنیم، خداوند وفادار است و ما را می بخشد و ما را از گناهانمان پاک می کند. هنگامی که خداوند به شما نشان داد که چه کارهای اشتباهی را انجام داده اید، برگردید و آنها را به شیوه ای درست، تصحیح کنید. اگر به والدینتان دروغ گفته اید، واقعیت را به آنها بگویید. اگر چیزی را دزدیده اید، آن را برگردانید. اگر برای کسی بدجنس کرده اید، از او عذرخواهی کنید. اگر مثل کامت کینه ی کسی را به دل گرفته اید، او را ببخشید و دست از تلافی کردن بردارید. اگر شما چیزی را برداشتید که متعلق به





خداوند بود است، آن را برگردانید. هرچه سریعتر توبه کنید، خداوند سریعتر به شما کمک می کند که به جلو رفته و به پیروزی دست یابید.

خداوند به اسرائیل مردی به نام آکان که گناهکار بود را نشان داد. آنها از خیمه ی جاریکو یک سکه ی نقره و طلا بدست آوردند که این سکه ها در خاک دفن شده بودند. آنها او و وسایلش را بردند و آنها را نابود کردند. و وقتی که برگشتند تا به آی خمه کنند، خداوند به آنها برای دست یافتن به پیروزی کمک کرد.

من تصمیم گرفتم که چیزی را از خداوند پنهان نکنم و هرگاه که کار اشتباهی انجام دادم، توبه کنم.



نتیجه 13

هنگامی که کامت به دنبال یک فرصت بود، تافی فهمید که او می خواهد چه کاری انجام دهد. پس تافی به او گفت که از او کینه به دل گرفتن و نبخشیدن، درست نیست. خداوند از این کارها خوشش نمی آید. کامت فهمید که اشتباه می کرده است. آنها خداوند را پرستیدند و او دوستش را کاملاً بخشید.

فعالیت 13

این برای من نیست



از بچه ها بخواهید که وسایل شخصی خودشان را در وسط میز بگذارند. یکی از آنها را بردارند و از یک فرد بپرسید، «آیا این برای شماست؟» اگر آن وسیله برای آن بچه نباشد باید بگوید «این برای من نیست و من چیزهایی را که برایم نباشد نخواهم گرفت.» برای هر وسیله این کار را تکرار کنید، تا همه در این فعالیت شرکت داشته باشند. اگر بچه ها سن کمی دارند، کافی است فقط بگویند «این برای من نیست»

جدول زمانی 13

زمان داستان نافرمانی آچان را بر روی جدول نشان دهید.

سوال: جاشوا چند ساله بود وقتی که آنها آی را فتح کردند؟ پاسخ: زمان دقیقی در دسترس نیست، اما او حدودا 70 ساله بود.

سوال: چه زمانی آچان از خداوند نافرمانی کرد؟

پاسخ: هنگامی که جاشوا و اسرائیلی ها برای گرفتن جریکو مبارزه می کردند.





جوابهای پازل 13

1	5	7	0	8
40	25	10	52	27

4	6	2	9	.
19	21	17	30	39

1	5	0	4	9	0	8	0	.	2	1	4	8	0
0	1	5	6	1	6	9	4	1	0	.	0	6	1
6	9	1	0	9	7	1	0	.	5	8	1	5	8
0	6	9	2	5	0	8	5	0	6	0	7	4	2
7	1	0	6	1	.	9	.	2	1	9	0	9	1
8	.	4	0	8	0	1	5	0	4	8	1	5	6
4	0	9	7	.	4	.	9	8	5	6	2	5	0
1	2	1	4	1	5	0	1	5	6	1	0	.	8
4	8	4	8	6	0	2	5	9	1	9	2	5	1
8	5	0	9	8	1	8	7	0	.	8	1	6	8
1	9	1	0	.	4	.	2	.	5	9	.	0	9
6	0	.	4	1	0	1	0	1	.	1	0	.	0
0	8	5	6	0	8	5	.	0	9	0	.	5	6
1	.	1	0	1	.	6	1	.	5	1	2	4	8
9	6	9	.	9	7	8	0	.	4	.	0	9	.
2	0	8	0	.	4	9	8	2	8	0	.	6	0
7	2	1	.	5	0	1	.	7	9	1	9	7	.
.	4	.	0	2	4	6	0	.	4	6	2	0	8
9	5	9	9	0	.	7	9	1	.	0	5	.	9
0	2	8	5	9	5	.	8	6	0	2	.	0	1

ش	م	ک	چ	خ	ز	ت	آ	د	ش	غ
ت	ک	غ	ن	ا	و	ح	د	ن	ک	خ
م	آ	س	د	د	ه	ر	غ	و	د	پ
ا	چ	ه	ت	ا	ر	ی	ز	ا	آ	ی
د	ا	ش	ا	د	ی	ک	ر	د	ن	ر
چ	ن	ک	ه	د	ا	ش	ت	خ	چ	و
چ	ز	ت	ن	ه	آ	د	ش	ر	م	ز
خ	ا	ن	و	ا	د	ه	ن	ش	ا	ی
ش	خ	م	د	چ	ه	ز	خ	ک	ت	غ



سوالات و جوابهای 13

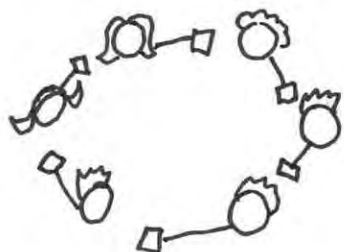
1. چه چیزهایی در گذشته مخفی شده اند و خداوند درباره ی آنها می داند؟ (به آنها زمان دهید تا در این باره صحبت کنند و به آنها یادآوری کنید که اگر فردی چیزی را پنهان کرده است نباید آن را تکرار کند.)
2. آیا شانس دومی هم با خداوند وجود دارد؟ (قطعاً، اما درباره ی راه هایی که ما سعی می کنیم به والدینمان حقه ای بزنیم هم فکر کنید، که در برخی از این مواقع ما خواهان شانس دوم هستیم اما باز به آن کار ادامه می دهیم.)
3. این زندگی، زمان و پول من است، آیا حرف درستی است؟ (وقتی شما وارد سطح جدیدی از مسیحیت می شوی، خواهید فهمید که هر آنچه دارید واقعا برای شما نیستند.)





بازی 13

گذرگاه موزیکار



- به هریک از دانش آموزان برگه ای که حاوی یک کلمه از آیه کتاب مقدس باشد، بدهید و از آنها بخواهید که به شکل دایره دور هم بنشینند. مطمئن شوید که کلمات آیه به ترتیب درست نباشند.
- هنگامی که موزیک شروع شد، بچه ها کارت‌ها را درون دایره ای که نشستند به نفر بعدی خود می دهند.
- هنگامی که موزیک متوقف شد، بچه ها کارت‌هایشان را می خوانند.
- پس از پخش چند آهنگ، بچه ها با کارت‌هایشان جلو آمده و آنها را به ترتیب درست می کنند.
- و آیه را چند بار تکرار می کنند.



حضور 13

به بچه ها به خاطر حضورشان در کلاس، کارت امروز را بدهید. به آنها تبریک بگویید و آنها را تشویق کنید که هفته ی آینده برای گرفتن کارت دیگری در کلاس حضور داشته باشند تا بتوانند در بازی قهرمانان شرکت کنند! کارت امروز هست:

طلای پنهان

تکالیف خانه 13

تکالیف

تکالیف این هفته ی شما، نوشتن درباره ی چیزهایی است که از خداوند و یا دیگران پنهان کرده اید و همچنین دلیل آن را بنویسید. سپس درباره ی اثراتی که بر شما می گذارد فکر کنید. این کار به دوستی شما با خداوند صدمی می زند و این اصلا خوب نیست. اما درست مثل آی، این کار به کلاس شما و مردمانی که به همراه آنها از عیسی پیروی می کنیم را هم صدمه می زند. به دلایلی ممکن است آن افراد متوجه این قضیه نشوند، آنها برخلاف آنچه می باید در گروه باشند، موصر، خوشحال و دوستانه نیستند. شما می دانید که باید چه کاری انجام دهید. به گناهانتان در مقابل عیسی، والدیتان، معلم قابل اعتمادتان و یا کشیش اعتراف کنید و تفاوت‌های میان بخشش آنها را درک کنید.

پخوانید

این هفته لازم نیست چیزی را بخوانید.

